



لقمه‌های حلال

مؤلف: سید حسن موسوی خراسانی

پاییز-۱۳۸۹

مقدمه

گفته‌اند بدست آرد نان حلال در آخر الزمان کمتر از جهاد در راه خدا نیست چرا که از یک طرف جمعیت زیاد شده و از طرفی مردم از معارف اسلامی فاصله گرفته‌اند و از سویی خرج و برج‌های کاذب به خاطر چشم و هم چشمی بالا گرفته است و از طرف دیگر تقلید از بیگانگان در زرق و برق زندگی زیاد شده است لذا در کشاکش چنین زندگانی قناعت و صرفه جویی جایش را به اسراف داده و نان آور خانواده را مجبور کرده که فقط نان را به خانه بیاورد و از حلال و حرام بودنش چیزی نداند و نپرسد.

چند سال گذشته کتابی تحت عنوان لقمه‌های حرام را نوشتیم که با استقبال نسبتاً خوبی روبرو شد و اکنون بنا گذاشتیم لقمه‌های حلال را بنویسیم و در این کتاب به راه‌های کسب نان حلال و راه و رسم کاسبی شرعی

اشاراتی داشته باشیم به امید آنکه مردم به فکر پاسخ قیامتی که در پیش دارند افتاده و اندکی از حرام اجتناب نمایند، می‌گویند از نیمه راه ضرر برگشتن فایده است و این کار شدنی است بیائیم طبق سیره امیرمؤمنان علی (علیه السلام) سری به بازار مسلمین بزنیم و با زبان نصیحت و دلسوزی بازاریان را تذکر دهیم و مسئولان هم با زبان نصیحت و قدرت! بر داد و ستد بازار نظارتی داشته باشند.

باشد که در این دنیایی که به فرموده امام هادی (علیه السلام) همانند بازاری است که عده‌ای در آن سود می‌برند و جمعی ضرر، از ضررکاران این بازار دنیا نباشیم.

سید حسن موسوی خراسانی

محرم ۱۴۴۱ هجری قمری

پاییز ۱۳۹۸ شمسی

مقدمه

بدست آوردن لقمه‌ی حلال در آخر الزمان کاری بس دشوار ولی لازم و ضروری است، خداوند ضامن رزق همه موجودات از راه قانونی آن است و قانون هم برای انسان عاقل است و اگر نه حیوانات چون دارای عقل نیستند ضامن رعایت قانونی نمی‌باشند. حیوانات فقط شکم و شهوت دارند ولی انسان علاوه بر این‌ها عقل و راهنمایان دلسوز هم دارد که باید با عقل و درایتش راه را از چاه تشخیص دهد و خط رهبران دینی که عاقل‌ترین افراد عالم هستند را دنبال کند.

پس از این مقدمه به این نتیجه می‌رسیم که بدست آوردن کسب حلال شرائطی دارد.

شرائط کسب لقمه‌ی حلال:

۱- رعایت عهد و پیمان

قرآن فرموده است: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَوْفُوا بِالْعُقُودِ»؛^۱

ای کسانی که ایمان آورده‌اید به عهد و پیمان خود وفادار باشید.

در کتب روایی و فقهی به ما گفته‌اند: «الْمُؤْمِنُونَ عِنْدَ

شُرُوطِهِمْ»^۲ مؤمنان پای شرطی که کرده‌اند پایدارند.

امام حسین (علیه السلام) می‌فرماید: اگر آن شمشیری که پدرم را

با آن شهید کرده‌اند به رسم امانت به من بدهند و شرط کنم

که نگهداری‌اش کنم، این کار را انجام خواهم داد.

بازار مسلمین که اینقدر در نظرگاه اسلام معتبر است و

روی قول و عملش حساب شده است بدان دلیل است که افراد

۱ (نحل ۹۶)

۲ (فقه القرآن جلد ۲ صفحه ۵۱)

مؤمنی در آن هستند و رعایت موازین اخلاقی و دینی را رعایت می‌کنند.

اگر امروز می‌بینیم عده‌ای خلاف این را انجام می‌دهند و پایبند به عهد و شرطشان نیستند دلائلی از قبیل دوری از ارشادات دینی و گرفتار حرص و ولع شدن است و ایشان از دایره‌ی بازاریان واقعی که تعریف آنها مشخص است، نمی‌باشند.

در شریعت اسلام یکی از راه‌های خاطر جمع بودن و حلال و پاک بودن جنس، آن است که از سوق یعنی بازار مسلمین خریداری شده یا از ید یعنی دست مسلمان بدست آمده باشد زیرا بازاریان مورد قبول اسلام کسانی هستند که پای عهد و پیمانی که می‌بندند مقاوم و پایبندند.

دلیل این صداقت و وفاداری هم آن اعتقاد واقعی و ایمان به روز قیامت است.

اندکی قبل از این زمان، بسیاری از بازاریان در مدارس علمیه درس کسب و کار شرعی می‌خواندند و به سفارش رهبران دینی اول فقه و فهم تجارت را در خود نهادینه می‌نمودند سپس وارد بازار می‌شدند که البته کمی از آن روش خوب هنوز در برخی از بازاریان مرسوم است.

مسجد و بازار و مدارس علمیه با یکدیگر مرآمده داشته‌اند و رساله مرجع تقلید برای آنها محترم بوده است.

قریب چهل سال قبل یعنی روزهای اول انقلاب خود شاهد حضور و مباحثه عده‌ای از بازاریان قم در صحن مدرسه فیضیه بودم که کتاب مکاسب محرمه‌ی شیخ انصاری را با هم و با حضور یک روحانی مباحثه می‌کردند.

اگر امروز قدری از این معارف دور شده‌ایم و اگر امروز اعتبار بازار مثل دیروز نیست و اگر دنیای طرف معامله‌ی ما آن اطمینان واقعی را نسبت به اجناس ما ندارد همه و همه به

خاطر پیمان شکنی‌ها و بر سر عهد و پیمان نبودن‌هاست و آن هم به خاطر دور شدن بازار از حوزه و مسجد است.

۲- امانت داری

قرآن در یک دستور العمل صریح می‌فرماید:

«إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا»^۱

خداوند به شما امر می‌کند که هرگونه امانتی را به صاحبش برگردانید. (خواه امانت‌های مادی باشد خواه معنوی خواه به شخصیت حقیقی یا حقوقی).

در مورد حفاظت از در امانت دستورات فراوانی وجود

دارد از جمله این دستور که:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَحُونُوا اللَّهَ وَالرَّسُولَ وَتَحُونُوا

أَمَانَاتِكُمْ وَأَنْتُمْ تَعَاْمُونَ»^۲

۱ (نساء ۵۸)

۲ (انفال ۲۷)

ای مؤمنان به امانت خدا و پیامبر خیانت نکنید همچنین به امانت‌های خودتان خیانت نکنید.

در قرآن مجید وقتی صفات افراد مؤمن بیان می‌شود یکی از نشانه‌های بارز مؤمن امانت داری و حفظ مال و آبروی دیگران است؛

«وَالَّذِينَ هُمْ لِأَمَانَاتِهِمْ وَعَهْدِهِمْ رَاعُونَ»^۱

مؤمنین، امانات و پیمان‌های خود را رعایت می‌کنند. جسم و جان ما امانت الهی‌اند لذا گفته‌اند با ضرر رساندن به جسمتان در امانت الهی خیانت نکنید، اگر مشروب الکلی و اگر مواد مخدر حرام شده به خاطر همین صفت امانت داری است. انسان حق ندارد به بدن خودش ضربه‌ای وارد کند، حتی در عزاداری‌های خانوادگی یعنی در لحظه از دست دادن عزیزی لطمه به صورت زدن و بدن را سیاه و کبود کردن

۱ (مؤمنون ۸)

ممنوع است و حتی برای عزای اهل بیت عصمت و طهارت هم قضیه همین است که مسائلس در رساله‌های عملیه مراجع تقلید آمده است.

یکی از صفات معروف پیامبر ما در آن وانفسای زمان جاهلیت، «امین» بود که آن حضرت را به محمد امین صلی الله علیه و آله می‌شناختند، همان محمد امین یکی از صدها و هزاران نفری بود که با اموال حضرت خدیجه رضی الله عنها قبل از ازدواج با او به شهرهای دور دست می‌رفت و کسب در آمد می‌کرد و مزد می‌گرفت و به صداقت و امانت در میان همگان مشهور بود، البته او قبل از اینکه در امور مادی امین باشد امین وحی الهی شمرده می‌شد و خداوند او را گیرنده‌ی وحی خود قرار داده بود که این بعد از شخصیت او از بالاترین ابعاد شخصیتی آن بزرگوار می‌باشد، یعنی پیام خدا را می‌گرفت و با حفظ همه‌ی دقت‌ها آن را برای جامعه بیان می‌نمود.

می‌گویند در اول شبی که رسول خدا ﷺ را ناراحت دیدند، از آن بزرگوار پرسیدند علت ناراحتی امشب شما چیست؟ فرمود: امانتی در دست من است و چون دسترسی به صاحبش نداشتم آنرا رد نکرده‌ام نمی‌دانم تا صبح زنده خواهم بود که فردا آن را به صاحبش برسانم؟ ساعتی بعد حضرت را مسرور دیدند سؤال کردند چه کردید؟ فرمود: فرستادم برای صاحبش و آرام گرفتم.

او که به خوبی وظیفه الهی خود را انجام داده بود، لحظه آخر نگران برخی از سفارشاتش بود که سرنوشت بشریت به آن بستگی داشت لذا قلم و کاغذ خواست تا برخی از آنها را بنویسد، اما ناهلان و نامحرمانی که از آینده‌ی خود می‌ترسیدند از آوردن قلم و کاغذ مانع شدند! و جامعه‌ای را از برخی از مواهب وجودی رسول خدا محروم نمودند و خود بر تخت مراد نشستند و به هدف شومشان رسیدند و تا ابد لعنت خدا

و خلق را برای خود خریدند که: اللَّهُمَّ الْعَنِ أَوْلَ ظَالِمٍ ظَلَمَ حَقَّ

مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ.

۳- پرهیز از حرام

در هر کاری که می‌پذیریم انجام دهم مسئولم و باید آنرا بدرستی انجام دهم و اگر انجام ندادم مزدی که می‌گیرم حرام است. اگر برای احقاق باطل و ابطال حقی اقدام کنم و حقوق کسانی را ضایع کنم مزدی که می‌گیرم حرام است.

«وَلَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُم بَيْنَكُم بِالْبَاطِلِ»^۱

اموال خود را به باطل مخلوط و مصرف نکنید. رشوه گرفتن و رشوه دادن و دلال معرکه بودن ممنوع است و مال رشوه را به چاهی پر از لجن بدبو تشبیه کرده‌اند

که روز قیامت بوی تعفن آن را همه متوجه می‌شوند و در آن

روزی که پرده‌ها کنار می‌رود «يَوْمَ تُبْلَى السَّرَائِرُ»^۱

رشوه را گاهی به نام هدیه به انسان و به خصوص به

مسئولان می‌دهند.

برای ابوذر غفاری از طرف خلیفه هدیه‌ای آوردند پرسید

این برای همه است؟ گفتند: نه فقط مخصوص شماست.

فرمود: بیت المال از همه است هرگاه تقسیم کردید و این

مقدار سهم من شد بیاورید و او این هدیه را قبول نکرد.

دوستی داشتم که قاضی بود گفت روزی در دفتر کارم به

پرونده‌ای رسیدگی می‌کردم فرزند کوچکم هم در آنجا بود

صاحب پرونده خدا حافظی کرد و من در یک لحظه دیدم جعبه

کوچکی در دست بچه است باز کردم دیدم سکه‌ای در جعبه

مخصوصی را به او داده است خودم بیرون آمدم و در میان

کوچه او را صدا زدم و گفتم وظیفه من رسیدگی به همه‌ی پرونده‌هاست و هیچ نیازی به این کارها نیست و من اگر از آخرتم نترسم از دنیايم و اینکه این مبلغ چه بلائی می‌تواند به سر من و خانواده‌ام بیاورد می‌ترسم!

برای پاک بودن اموال از مال حرام باید از اموال شبهه ناک نیز اجتناب کرد، مال شبهه ناک را به دیوار باریک دور باغ تشبیه کرده‌اند که اگر انسان مدتی بخواهد روی دیوار باریک راه برود بالاخره به درون باغ می‌افتد لذا گفته‌اند از مال شبهه ناک پرهیز کنید تا به دام حرام نیفتید.

دو موضوعی که بسیار به هم نزدیکند حق و باطل است زیرا نوعاً در بازارها با حربه‌ای به نام توجیه، حرام‌ها را حلال می‌کنند و به تصور مال حلال می‌خورند.

۴- پرهیز از مال دوستی

مال لازمه زندگی بشر است اما مال را برای مال و برای انباشتن بدست آوردن مذموم است.

رسول اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اسلام به ابوذر غفاری فرمود: يَا أَبَا ذَرٍّ

حُبُّ الْمَالِ وَالشَّرَفِ أَذْهَبُ لِدِينِ الرَّجُلِ مِنْ ذَبَبَيْنِ ضَارِيَيْنِ...^۱

دوستی مال و جاه، دین مرد را بیش از آن اندازه می‌برند که دو گرگ خون آشام، گوسفندان را.

سابقه‌ی بد مال دوستی و برتری طلبی سابقه‌ای دیرینه و پر از ماجراست، ماجرای برادرکشی برخی از سلاطین و حتی خلفاء اسلامی برای حب ریاست و خلافت از دید تاریخ ناپدید نیست. قصه‌ی مأمون و امین دو فرزند هارون الرشید

شاهدی روشن براین مدعاست که برادری برادرش را می‌کشد تا خود، ریاست عامه را بدست بگیرد.

کار و بیکاری:

لقمه‌های کارگری:

شاید در نظر توده مردم، کارگر شخصیت اجتماعی بالایی نداشته باشد لکن در دیدگاه رسول خدا ﷺ جایگاهی بس رفیع دارد.

رسول خدا ﷺ از جنگ تبوک برمی‌گشتند سعد انصاری جلو آمد و با حضرت مصافحه کرد، حضرت فرمود دست درشت است آسیبی به آن رسیده؟ عرض کرد خیر با بیل و طناب کار می‌کنم درشت شده است،

«فَتَقَبِّلَ يَدَهُ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ وَقَالَ هَذِهِ يَدٌ لَا تَمَسُّهَا النَّارُ»^۱

دست او را بوسید و فرمود: این دستی است که آتش جهنم آن را نمی‌سوزاند.

مفسده‌های بیکاری

هر چه که درباره‌ی کار توصیف شده است از بیکاری مذمت شده است که در اینجا به برخی از ضررهای بیکاری اشاره می‌کنیم:

۱- دوری از رحمت خداست:

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: «مَلْعُونٌ مَنْ أَلْقَى كَلَّهُ عَلَى النَّاسِ»^۱

از رحمت خدا به دور است کسی که بار سنگین مخارجش را بر دوش مردم بیاندازد (خودش بدنبال کسب و کار نباشد).

امام صادق (علیه السلام) از جوانی خوشش آمد و با او صحبت می‌کرد

سپس از شغلش سؤال کرد، گفت: بیکارم، فرمود: از چشمم افتادی.

۲- دارای مفسده است:

قال علی عليه السلام: «إِنَّ يَكُنِ الشُّغْلُ بِمُجَهَّدَةٍ فَاتِّصَالُ الْفِرَاقِ

مَفْسَدَةٌ»^۱

اگرچه کار و تلاش، زحمت دارد لکن همواره بیکار بودن دارای مفساسدی است.

در جامعه‌ی خودمان هرروز شاهد خلاف‌هایی هستیم که از سوی بیکاران صورت می‌گیرد، به دام اعتیاد افتادن‌ها، خودکشی، انحراف فکری، به دام غریبه‌های مغرض افتادن‌ها، گول ظاهر برخی جریانات خوردن‌ها و...

۳- سبب گدائی است:

امیرالمؤمنین (علیه السلام) فرمود: «مَنْ وَجَدَ مَاءً وَتُرَابًا ثُمَّ افْتَقَرَ
فَأَبْعَدَهُ اللَّهُ»^۱

هرکس آب و خاک در اختیار داشته باشد و دستش را به
گدائی دراز کند خدا هم او را از رحمتش دور می‌کند.
دست طلب چو پیش کسان می‌کنی دراز
پل بسته‌ای که بگذری از آبروی خویش
گدائی از مردم در حقیقت شغلی است که انسان با یک
دوره دو سه روزه در آن حرفه‌ای می‌شود زیرا فقط چند دفعه
در اول کار سخت است ولی سپس با درآمد خوبی که دارد
عادی می‌شود.

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: «عِرُّ الْمُؤْمِنِ اسْتِعْنَاؤُهُ عَنِ النَّاسِ»^۲

۱ (بخار الأنوار، جلد ۱۰۰، صفحه ۶۵)

۲ (مجموعه ورام، جلد ۱ صفحه ۱۶۹)

عزت مؤمن در بی‌نیازی‌اش از مردم است. شخصی به گدائی به محضر رسول خدا ﷺ رسید و گفت به اطرافیان حاضر در مجلس بفرمائید کمکم کنند که گرسنه‌ام، حضرت خطاب به اطرافیان فرمود: کدامیک از شما در خانه کلنگ دارید؟ یکی گفت: من دارم اما دسته ندارد، فرمود برو و بیاور سپس فرمود چوبی بیاورید، خود حضرت دسته‌ای برای کلنگ درست کرد و به سائل داد او هم رفت و به کار هیزم کنی مشغول شد و درآمدی پیدا کرد، چند روز بعد حضرت او را دیدند فرمودند در چه وضعی هستی؟ گفت: بسیار خوب، روزها با آن کلنگ کار می‌کنم و زندگی را به خوبی می‌گذرانم. در اسلام گدا پروری ممنوع است، اگر در نظام جمهوری اسلامی هم به همین ترتیب عمل شود به یقین زیننده نیست و به جای کمک‌های مقطعی کل صدقات جمع آوری شده کمیته امداد یا بهزیستی خرج ایجاد کارگاه‌های تولیدی شود



در کشور متکدی و کودکان کار را نخواهیم داشت و استعمار
گرانی که بچه‌های معصوم را با اندک کمکی به کارهای تکدی
گری می‌برند نخواهند بود.

کسب و کار در سیره پیشوایان:

دسترنج:

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: «مَنْ أَكَلَ مِنْ كَدِّ يَدِهِ مَرَّ عَلَى الصِّرَاطِ
كَالْبَرْقِ الْخَاطِفِ»^۱

هر کس از دسترنج خودش بخورد در قیامت همچون برق
از پل صراط عبور خواهد کرد.

برکت دسترنج علی علیه السلام:

«أَعْتَقَ أَلْفَ مَمْلُوكٍ مِنْ كَدِّ يَدِهِ»^۲

علی علیه السلام از زحمت کشی شخصی و دسترنج خودش
هزار بنده را در راه خدا آزاد کرد.

۱ (بحار الأنوار جلد ۱۰۰ صفحه ۹)

۲ (وسائل جلد ۱۷ صفحه ۳۷)

مذمت بیکاری:

قال الباقر عليه السلام: «أَبْغَضُ الْخَلْقِ إِلَى اللَّهِ جِيفَةً بِاللَّيْلِ بَطَّالٌ
بِالنَّهَارِ»^۱

منفورترین افراد در نزد خدای متعال کسی است که شب
همچون لاشه‌ای است و روز هم عاطل و باطل پرسه می‌زند.

بهترین کار:

قال رسول صلى الله عليه وآله: «أَفْضَلُ الْأَعْمَالِ الْكَسْبُ الْحَالِلُ»^۲
بهترین کارها کسب روزی حلال است.

داستان:

عده‌ای در مسجد در اطراف رسول خدا صلى الله عليه وآله نشسته بودند،
مردی قوی در بیرون مسجد بیل می‌زد و زحمت می‌کشید،

۱ (بحار الأنوار جلد ۸۴ صفحه ۱۵۸)

۲ (کنز العمال جلد ۴ صفحه ۸)

اطرافیان گفتند: ای کاش این بازوان قوی خود را در عبادت صرف می‌کرد، رسول خدا فرمود: مگر الان چه می‌کند؟ او که بیل می‌زند عبادتی را انجام می‌دهد. او که زحمت می‌کشد برای آن است که محتاج این و آن نشود یا خانواده‌اش محتاج یا کشورش نیازمند نشود، بهترین عمل را انجام می‌دهد.

بر دوش مردم سوار نبودن:

رسول خدا ﷺ فرمود:

«خَيْرُكُمْ مَنْ لَنْ يَكُنْ كَالْأَعْلَى النَّاسِ»^۱

بهترین شما کسی است که تحمیل بر مردم نشده باشد.

داستان:

جمعی در حضور رسول اکرم اسلام بودند و از یک نفر همسفر خودشان تعریف کردند که در سفر همواره عبادت می‌کرد، رسول الله پرسیدند چه کسی تدارک غذای او می‌کرد

۱ (نهج الفصاحه حدیث ۱۵۲۵)

و چه کسی به او غذا می‌داد؟ عرض کردند: ما، رسول الله فرمودند: **كُلُّكُمْ أَعْبُدْمَنَه**: همه شما از او عابدتر هستید.^۱

بی نیازی از مردم:

قال الصادق عليه السلام: «إِعْمَلْ فَاَحْمِلْ عَلَيَّ رَأْسِكَ وَاسْتَغْنِ عَنِ النَّاسِ»^۲

کار کن گرچه دستفروشی باشد و از مردم بی نیاز باش.
این جمله را امام صادق عليه السلام در جواب کسی فرمودند که
گفت: حال کار کردن ندارم درعین حالی که نیازمندم.
همچنین در مورد لقمان حکیم فرموده اند: او گاهی
خیاطی و گاهی نجاری می‌کرد.

۱ (وسائل الشیعه ج ۱۲ ص ۱۸)

۲ (کافی جلد ۵ صفحه ۷۷)

کسب حلال و دعای مستجاب:

قال الصادق (عليه السلام): «مَنْ سَرَّهُ أَنْ تُسْتَجَابَ دَعْوَتُهُ
فَلْيَطِيبْ مَكْسَبَهُ»^۱

کسی که می‌خواهد دعایش به اجابت برسد باید کسب و
کاری حلال داشته باشد.

خدا اهل صنعت را دوست دارد:

«إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُؤْمِنَ الْمُحْتَرِفَ»^۲

خداوند انسان مؤمنی که حرفه‌ای دارد را دوست می‌دارد.
هرچه بیکاری در میان اولیاء خدا ناپسند است، کار و
کارگری پسندیده و مطلوب است.

باید تأسف خورد که ما در کشور رسول الله از نظر هنر
و صنعت باید محتاج دست دیگران باشیم و متاع دنیای بیگانه

۱ (وسائل الشیعه جلد ۷ صفحه ۸۴)

۲ (وسائل الشیعه جلد ۱۷ صفحه ۱۳۴)

را به رخ ما می‌کشند. البته خیرهای امیدوار کننده‌ای در مورد پیشرفت صنعت بگوش می‌رسد که امید است در آینده نه چندان دوری از پائین جدول به بالاترها صعود کنیم، اما عوامل متعددی ما را به این روزانداخته است، از قبیل استعمار سلاطین تن پرورکشور، آماده خورهای گول خورده سلسله قاجار و پهلوی و تن پروری خودمان، اتکاء به غیر، خودکم بینی و...

آمریکایی که امروز در دنیا حرفی برای گفتن دارد بیش از دویست و چند سال که از کشف قاره‌اش می‌گذرد بدنبال به دست گرفتن برخی از فنون و صنعت است ولی ایران اسلامی در حقیقت چهل سال است که از زیر استعمار غربی‌ها و از جمله همان آمریکا آزاد شده و شروع به راه رفتن به سمت صنعت کرده و در این چند سال هم واقعا کارهای عمده‌ای انجام داده است که خود کشورهای استعمارگر و

انحصار طلب هم مجبور به تحسین و تعریف شده و از برخی پیشرفت‌های ما تعجب کرده، با همه غرورشان به خلاقیت ایران اقرار دارند.

کارگری عبادت است:

قال الباقر عليه السلام: «الْعِبَادَةُ سَبْعُونَ جُزْءً أَفْضَلُهَا جُزْءٌ
طَلَبُ الْحَلَالِ»^۱

امام باقر عليه السلام فرمود: عبادت هفتاد جزء دارد که بهترین جزئش طلب رزق حلال است.

داستان

شخصی در گرمای ظهر امام باقر عليه السلام را دید که بیل می‌زند و عرق می‌ریزد، آمد جلو تا امام را نصیحت کند، وقتی به امام عليه السلام رسید گفت: شما چرا در این هوای گرم برای دنیا

تلاش می‌کنی؟ اگر در این حال بمیری جواب خدا را چه خواهی داد؟ حضرت فرمود: اگر در این حال مرگم فرا برسد در بهترین موقعیت از دنیا رفته‌ام زیرا اگر تلاش من برای این باشد که خودم از مثل تویی بی نیاز باشم یا خانواده‌ام محتاج دیگران نشوند یا اهل ملتَم احتیاج به بیگانگان نداشته باشند بهترین کار را می‌کنم و شهید از دنیا رفته‌ام.

در ردیف جهاد فی سبیل الله

امام صادق علیه السلام فرمود: «الْكَادُّ عَلَى عِيَالِهِ كَالْمُجَاهِدِ فِي

سَبِيلِ اللَّهِ»^۱

آن کس که تلاش کننده است برای رزق و روزی حلال

زن و بچه‌اش، همانند مجاهد در راه خدا است.

اهمیت کسب روزی حلال

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: «مَنْ أَكَلَ الْحَلَالَ أَرَبَعِينَ يَوْمًا تَوَرَّ اللَّهُ

قَلْبَهُ»^۱

کسی که چهل روز رزق حلال بخورد خدا دلش را نورانی می‌کند.

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: «تَرَكَ لُقْمَةَ حَرَامٍ أَحَبُّ إِلَيَّ مِنَ

صَلَاةِ أَلْفِي رَكْعَةٍ تَطَوُّعًا»^۲

دوری کردن از لقمه حرام از دو هزار رکعت نماز مستحبی با فضیلت‌تر است.

داستان:

معلی بن خنیس گفت: روزی به بازار رفته بودم و اتفاقاً

به امام صادق علیه السلام برخورد کردم حضرت مرا دید و فرمود:

۱ (سفینة البحار جلد ۲ صفحه ۳۱۹)

۲ (بحار الأنوار جلد ۹۰ صفحه ۳۷۳)

یا عبدالله، احفظ عَزَّكَ: عزت خود را حفظ و نگهداری کن، گفتم مقصودتان از «عز» چیست؟ فرمود: غدوگ و اکرامک نفسک؛ صبح به بازار و محل کار رفتن و شخصیت خود را حفظ نمودن.

رزق حلال تقسیم شده است:

«يَا أَيُّهَا النَّاسُ كُلُوا مِمَّا فِي الْأَرْضِ حَلَالًا طَيِّبًا»^۱

ای مردم از آنچه در زمین است استفاده حلال و پاک کنید.
رسول خدا ﷺ فرمود:

«طَلَبُ الْحَلَالِ فَرِيضَةٌ عَلَى كُلِّ مُسْلِمٍ وَمُسْلِمَةٍ»^۲

طلب روزی حلال بر هر مسلمان مرد و زن واجب است.

شغل پیشوایان دین:

ابن عباس می گوید:

۱ (بقره ۱۶۸)

۲ (بخاری جلد ۱۰۰ صفحه ۹)



حضرت آدم علیه السلام کشاورزی می کرد

حضرت ادریس علیه السلام خیاط بود

حضرت نوح علیه السلام نجاری می نمود

حضرت هود علیه السلام تاجر بود

حضرت ابراهیم علیه السلام چوپان بود

حضرت داوود علیه السلام زره ساز بود

حضرت سلیمان علیه السلام حصیر بافی می کرد

حضرت موسی علیه السلام کارگر بود

حضرت محمد صلی الله علیه و آله شجاعی شمشیر زن در میدان جنگ بود.

نکته:

امیرمؤمنان علیه السلام می گوید: خدا به حضرت داوود علیه السلام وحی کرد که تو بهترین بنده هستی اما تنها یک ایراد داری و آن این که از بیت المال استفاده می کنی، و فعالیت خاصی که دست آورد خودت باشد نداری.

حضرت داوود با شنیدن این خبر چهل روز گریه کرد و سپس شغل آهنگری و زره سازی را در پیش گرفت و از بیت المال بی نیاز شد.^۱

داستان:

ابی حمزه از پدرش نقل می‌کند که گفت: روزی امام کاظم (علیه السلام) را دیدم که در زمینی کار می‌کرد و از تمام بدنش عرق جاری بود به حضرت گفتم: جُعِلت فداک این الرجال؟ فدایت شوم مردان کجایند که شما زحمت نکشید؟ فرمود: قد عمل بالید من هو خیر منی فی ارضه فقلت ومن هم. کسانی که از من بهتر بودند نیز در زمین کار می‌کردند. گفتم: چه کسانی؟ فرمود:

۱ (من لا یحضره الفقیه ج ۲)

«رَسُولُ اللَّهِ ﷺ وَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ آبَائِي كُلُّهُمْ كَانُوا
قَدْ عَمِلُوا بِأَيْدِيهِمْ»^۱

رسول خدا ﷺ و امیر مومنان علی (علیه السلام) و آباء و اجداد
همه با دستانشان در روی زمین کار میکردند.

قال الصادق (علیه السلام): «كَانَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَحْتَطِبُ وَ
يَسْتَسْقِي وَيَكْسُ وَ كَانَتْ فَاطِمَةُ (علیها السلام) تَطْحَنُ وَ تَعَجِنُ وَ تَخْبِزُ»^۲
امیر مومنان (علیه السلام) هیزم جمع می کرد و آب از چاه استخراج
می نمود و چاه حفر می کرد و فاطمه (علیها السلام) دستاس و آسیاب
می کرد و خمیر می نمود و نان می پخت.

ثروت و بلوغ

در اسلام همواره به ما دستور تقاضای شرح صدر داده شده
است، یعنی اگر مسئولیتی را خداوند به ما واگذار می کند

۱ (بحار الانوار جلد ۴۸ صفحه ۱۱۵)

۲ (وسائل ج ۱۲)

ظرفیت و جنبه را هم عنایت نماید، در مال و ثروت هم قضیه همین است.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمود:

از فقر و تنگدستی بر شما نمی‌ترسیم بلکه از آن می‌ترسیم که ثروتمند شوید و مثل اقوامی که قبل از شما ثروتمند شدند و خود را باختند، به وسیله همان ثروت به هلاکت برسید.

آری قرآن پرده از روی این روحیه انسان برداشته و فرموده

است «إِنَّ الْإِنْسَانَ لِرَبِّهِ لَكَنَّاظِرٌ أَلَّا يَكْفُرَ بِالرِّبَا إِنَّا جَمَعْنَا لَكَ فِي ذٰلِكَ حُرْمَةً لِّئَلَّا تُكْفِرَ بِالرِّبَا إِنَّا كَرِهَ الْفِسْقَ» یعنی انسان وقتی خود را قدرتمند و بی‌نیاز از دیگران دانست طغیان و گردنکشی می‌کند

به قارون گفتند: خدا به تو ثروتی داده، مقداری از آن

ثروت را در راه مردم صرف کن، گفت: اینها دستاورد علم من

است و شد آن چه شد.

شرایط کسب پاک

کاسبی و تجارت انواع مختلفی دارد که خوب است آن را به کاسبی پاک و یا ناپاک تقسیم کنیم، کسب پاک آن کسبی است که کاسبش این شرایط را داشته باشد:

- ۱- دروغ نگوید، «إِنْ حَدَّثُوا لَمَّيْكَذِبُوا»^۱
- ۲- خلف وعده نکند، «وَإِذَا وَعَدُوا لَمْ يُخْلِفُوا»^۲
- ۳- خیانت نکند، «وَإِذَا التُّمِّنُوا لَمْ يَخُونُوا»^۳
- ۴- در خرید مذمت از جنس نکند، «وَإِذَا اشْتَرَوْا لَمْ يَذُمَّوا»^۴
- ۵- در فروش تعریف بیجا نکند، «وَإِذَا بَاعُوا لَمْ يَطْرُوا»^۵

۱ (کافی جلد ۲، صفحه ۲۳۲)

۲ (همان)

۳ (همان)

۴ (نهج الفصاحه حدیث ۵۹۵)

۵ (همان)

۶- در پرداخت بدهی تعلل نکند، «وَإِذَا كَانَ عَلَيْهِمْ دَيْنٌ

لَمْ يَمْتَلُوا»^۱

۷- سختی و عسر ایجاد نکند، «وَإِذَا كَانَ لَهُمْ لَبْسٌ يَعْسُرُوا»^۲

کسب انسان با دست خودش:

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: «أَفْضَلُ الْكَسْبِ بَيْعٌ مَبْرُورٌ وَعَمَلٌ

الرَّجُلِ بِيَدِهِ»^۳

بهترین کسب و کار؛ خرید و فروش پاک و عمل انسان

با دستان خودش می‌باشد.

چه لذیذ است لقمه زحمتکشی:

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: «مَا أَكَلَ أَحَدٌ طَعَامًا قَطُّ خَيْرًا مِنْ أَنْ

۱ (همان)

۲ (همان)

۳ (نهج الفصاحه حدیث ۱۱۴)

يَأْكُلُ مِنْ عَمَلِ يَدِهِ، وَإِنَّ نَبِيَّ اللَّهِ دَاوُدَ عَلَيْهِ السَّلَامُ كَانَ
يَأْكُلُ مِنْ عَمَلِ يَدِهِ»^۱

هیچ کس طعامی را نخورد که بهتر از دست آورد خودش باشد و حضرت داوود نبی (علیه السلام) از دسترنج خودش نان می‌خورد.

آفت‌های کاسبی

در کسب و تجارتي که اسلام به آن سفارش کرده است شرایطی باید در نظر گرفته شود که همه آن شرایط در روایات متعددی آمده است که در اینجا به فهرست آنها اشاره می‌شود:

۱- دروغ نگوید- غش در معامله نکند- به وعده‌ای که می‌دهد عمل کند- کم فروشی نکند- از احتکار اجتناب کند- تدریس نکند (یعنی جنس را زیباتر از آنچه که هست معرفی نکند) خرید و فروش جنسی که مایه گسترش گناه بشود را

۱ (نهج الفصاحه حدیث ۲۶۲۰)

انجام ندهد- ربا در کارش نباشد- قسم دروغ نخورد- در صنعت تقلب نکند.

دست آورد مولا:

امیرمؤمنان زحمت می‌کشید، کشاورزی می‌کرد و درآمدش را خرج فقرا و مساکین و یتیمان می‌نمود.

قال الصادق عليه السلام: «إِنَّ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام أَعْتَقَ أَلْفَ مَمْلُوكٍ مِنْ مَالِهِ وَكَدَّيْهِ»^۱

یعنی امیرمؤمنان علی عليه السلام هزار بنده را از مالی که دست آورد زحمت خودش بود در راه خدا آزاد کرد.

داستان:

امیرمؤمنان به کارگرانی برخورد کرد که در پشت شهر کوفه مشغول حفر چاه بودند، فرمود: می‌خواهم کمک کنم،

لکن ضعف دارم آیا غذایی دارید؟ گفتند: غذایی هست اما در شأن شما نیست، فرمود مگر چیست؟ گفتند: مقداری کدوی پخته با پیه گوسفند است که آن هم از سفره کارگران زیاد آمده است. فرمود: بیاورید. حضرت با میل و رغبت و با نام خدا از این غذا خورد سپس شکر خدا کرد و کلنگ را در دست گرفته به درون چاه رفت و شروع به حفاری نمود.

در لحظه‌ای برای استراحت بالا آمد و در حالیکه دست مبارکش پر از شن و ماسه بود به شکم مبارکش کشید و گفت: وای بر ملتی که این شکم آن‌ها را به جهنم ببرد، دوباره به درون چاه رفت و چاه که به آب رسید بیرون آمد و بلافاصله کاغذ و قلم خواست و وقفنامه آن را که برای فقرا و مساکین و ایتم کوفه وقف کرد را نوشت و نوشت که اگر روزی فرزندانم حسنین فقیر شدند آنها هم یک سهم همانند دیگر فقیران خواهند داشت.

بی رحمی به مردم ممنوع:

امام صادق (علیه السلام) به غلامش فرمود در خانه چقدر گندم داریم؟ غلام گفت: تا مدتی آذوقه و گندم داریم، حضرت فرمود: گندم‌ها را تقسیم کن، غلام عرض کرد: آخر گرسنه می‌مانیم، حضرت فرمود: هرروز به میزان مصرف از بازار تهیه می‌کنیم و بعد هم چون وضع مردم خوب نیست، گندم را با جو مخلوط کن که از آن استفاده کنیم.

قال علی (علیه السلام): «يَا بَنَ آدَمَ مَا كَسَبَتْ فَوْقَ قُوَّتِكَ فَآنْتَ فِيهِ

خَازِنٌ لِّغَيْرِكَ»^۱

آنچه را که فوق مصرفت جمع آوری می‌کنی در حقیقت تو خزانه دار دیگران قرار می‌گیری.

دستور العمل ورود به بازار:

نظر به اینکه بازار هم مرکز خیر و فیض و خدمت است و هم جایگاه گناه و تقلب است لذا اولیاء خدا وقتی به بازار وارد می‌شدند به خدا پناه می‌برند.

عَنْ النَّبِيِّ ﷺ أَنَّهُ كَانَ إِذَا دَخَلَ السُّوقَ يَقُولُ «اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ خَيْرِ هَذَا السُّوقِ وَأَعُوذُ بِكَ مِنَ الْكُفْرِ وَالْفُسُوقِ»^۱

پیامبر ﷺ زمانی که داخل بازار می‌شد می‌گفت: خدایا از تو طلب خیر این بازار می‌کنم و به تو پناه می‌برم از کفر و فسق و فجور آن. امیرالمؤمنین (علیه السلام) فرمود: در زمان ورود به بازار و زمان اشتغال بازاریان به داد و ستد زیاد ذکر خدا بگوئید تا کفاره گناهاتان شود و از زمره غافلان محسوب نشوید زیرا اشتغال به دنیا انسان را از یاد خدا و قیامت دور می‌کند.

محل کسب دنیا را با ذکر آخرت منور نگهدارید:

از رسول اکرم اسلام است که فرمودند: در حین ورود به بازار ذکر سبحان الله و الحمد لله تا و هو علی کل شیء قدیر را بگوئید که خداوند اجری به اندازه تمامی خلائق به شما می‌دهد.^۱

داستان:

شخصی به نام مختار تمار می‌گوید شب‌ها در مسجد کوفه می‌خوابیدم روزی برای دیدن بازار بیرون آمدم پس از لحظه‌ای دیدم کسی از پشت سرم گفت: لباست را جمع کن، تا پاک بماند پرسیدم این چه کسی است؟ گفتند: او علی بن ابی طالب امیرالمؤمنین است. سپس به بازار شتر فروش‌ها رفت من هم به دنبال او رفتم دیدم در وسط بازار فریاد می‌زند:

۱ (سفینه ج ۱)

«يَا مَعْشَرَ التُّجَّارِ أَيَّاكُمْ وَالْيَمِينِ الْفَاجِرَةَ فَإِنَّهَا تُنْفِقُ
السَّلْعَةَ وَتَمَحِقُ الْبَرَكَهَ»^۱

ای گروه تجار پرهیزید از قسم بیجا زیرا جنس از دستتان
می‌رود و برکت هم از زندگی شما رخت بر می‌بندد....

لزوم نظارت بر بازار:

رسول اکرم اسلام صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در بازار مدینه گذر کردند و طعام
فروشی را دیدند و فرمودند:

چه طعام خوبی می‌فروشی سپس از قیمتش سؤال کردند
پس از سوی خدا وحی شد که دستت را در میانه و زیر آن
جنس ببر و حضرت این کار را کردند پس دیدند در زیر آن
جنس پست و بدی است پس به صاحبش خطاب کردند و
فرمودند:

۱ (بحار الأنوار جلد ۱۰۰ صفحه ۹۳)

«مَا أَرَاكَ إِلَّا وَقَدْ جَمَعْتَ خِيَانَةً وَغَشًّا لِلْمُسْلِمِينَ»^۱

تو هم خیانت کردی و هم برای مسلمانان غش در معامله.

لزوم قوه قهریه:

امیرمؤمنان وارد بازار خرما فروشان شده زنی را دید که گریه می‌کند و با خرما فروشی در گیر است، حضرت به زن فرمودند چه شده است؟ گفت: از این شخص خرمائی به دو درهم خریده‌ام به خانه بردم دیدم قابل استفاده نیست آوردم که پس بگیرد و خرمای خوب به من بدهد که غذای بچه‌های یتیم من باشد و او قبول نمی‌کند، حضرت با زبان نرمی فرمودند اقاله در اسلام ثواب دارد یعنی پس گرفتن جنس معیوب کار خوبی است، امام سه بار این موعظه را تکرار کرد و او با بی‌اعتنائی به حضرت که البته ظاهراً آقا را نمی‌شناخت

۱ (کافی، جلد ۵ صفحه ۱۶۱)

قبول نکرد حضرت یک سیلی محکم حکومتی به او زد و او هم مجبور شد پول زن را برگرداند سپس فرمود: این حق حکومت است که نظارت کند، تذکر دهد و حق را به حقدار برساند و فرمود: روی جنست را نپوشان تا مشتری آن را ببیند.^۱

عن النبي ﷺ: «شَرُّ الْكَسْبِ كَسْبُ الرَّبَا»^۲

بدترین نوع کاسبی، کاسبی بر اساس ربا و نزول است.

بیکاری آفت است:

قال علي عليه السلام: «التَّوَانِي مِفْتَاحُ الْبُؤْسِ»

بیکاری و تنبلی کلید بدبختی و بیچارگی است.

تن پروری و بیکاری انسان را به عوالمی مالیخولیائی و فکرهاى شیطانی می‌برد و نتیجهٔ چنین فکرهاى آن است که

۱ (کافی ج ۵ ص ۱۸۲)

۲ (کافی ج ۸ ص ۸۲)

انسان با وسوسه شیطانی دست به کاری می‌زند که پشیمانی به بار می‌آورد.

بی‌کاری نوعی بی‌ارادگی هم در پی دارد که باعث می‌شود از هرجا و هرکاری که به او پیشنهاد می‌شود می‌پذیرد تا اینکه با وعده‌های کاذب یک شبه ره صد ساله برود.

امام صادق علیه السلام فرمود: علاقه دارم جوان بیکار را تنبیه کنم تا اینکه به کاری مشغول شود و دستش در کیسه خودش باشد. امام معصوم از اوصاف کسی مطالبی را شنید و وقتی که از حرفه و شغلش پرسید گفتند بیکار است، فرمود: از چشمم افتاد. بیکارانی بی‌اراده برای قتل امام حسین علیه السلام اجیر شدند و به کربلا آمدند و روسیاهی ابدی برای خود گرفتند.

حاصل دسترنج:

خداوند به هرکسی وسیله کسب درآمد و رزق و روزی خودش و دیگران را داده است. در دوران زندگانی پدرانمان

اگر کسی فرزندان پسری داشت می‌گفتند پسران او بازوان قدرتمندی برای او هستند آری حاصل بازوان توانا، گرفتن دست ناتوانان جامعه است، در مورد ارزش کار و تلاش.

قال علی عليه السلام: «اطلبوا الرزق فإنه مضمون إطالیه»^۱

امیرمؤمنان فرمود: شما فقط برای وصول رزق تضمین شده خود بروید زیرا خداوند آنرا برای هر بنده‌ای تضمین نموده است.

نکته:

به کربلائی کاظم حافظ کل قرآن گفتند: از کجا به این توفیقات رسیدی؟ گفت: از راه لقمه حلال، من کسی را شریک مال خود نکردم و مالم را هم پاک نگه داشتم سهم الهی آن را پرداخت نمودم و امروز به این مقام رسیدم که قرآن را با بی‌سواد

می‌خوانم و حتی آن را از آخر به اول و از چپ به راست تلاوت می‌کنم.

وجود فقیر و غنی حکمت دار است:

قال علی عليه السلام: «لَا يَزَالُ النَّاسُ بِخَيْرٍ مَا تَقَاوَتُوا فَإِذَا اسْتَوَوْا هَلَكُوا»^۱

همواره خیر مردم در تفاوت است، یعنی هم ثروتمند و هم افراد پائین‌تر لازم است که اگر همه یکسان شدند هلاک و نابود می‌شوند.

شاید علت اینکه اگر همگان دارای زندگی مرفه باشند کارها بر زمین خواهد ماند آماده خوری در جامعه رواج پیدا خواهد کرد، کسی احساس نیاز به تلاش برای نسل آینده نخواهد کرد.

کار در کندوی زنبور عسل:

بسیاری از موجودات عالم مایهٔ عبرت بشنند، از جمله مورچه و زنبور عسل که تاکنون کتب فراوانی برای نوع زندگانی آنان از سوی دانشمندان بزرگ جهان نوشته شده است، نکته‌هایی در مجموعهٔ زنبوران عسل و کار و کارگری در کندوی آنها به چشم می‌خورد که سزاوار است مایهٔ درس عبرتی برای بنی بشر باشد از جمله:

۱- تنبلی ممنوع

کارگران زنبور عسل از روی نیاز کار نمی‌کنند، آنان در ظرف یک ساعت، آذوقه چند هفته خود را تأمین می‌کنند ولی کارگران یک کندو چهل-پنجاه کیلو عسل تولید می‌کنند. در کندوی زنبور عسل قانون این است که به محض دیدن یک زنبور تنبل او را اخراج و تبعید می‌کنند تا اینکه روحیهٔ تنبل او در دیگر زنبورها اثر سوء نگذارد!

۲- برنامه ریزی:

آنان مأموریت‌های مختلفی دارند از جمله اینکه: هر روز صبح مأموران کندوها که پیشقراولان هستند بیرون کندوها و منطقه خودشان را کنترل می‌کنند و اگر شاخه‌ای گل در آورده باشد یا شکسته شده باشد را گزارش کنند، این پیشنهاد در پیشرفت کار بسیار مؤثر است. همان پیش‌بینی‌هایی که ما بنی آدم انجام نمی‌دهیم و هر روز ورشکستگان بازار را با زانوی بغل گرفته غم مشاهده می‌کنیم!

۳- مأموریت‌های سخت:

بعضی از زنبورهای عسل برای سرد نگهداشتن کندو مأموریت دارند در دقیقه ۴۰۰ بار بال بزنند تا کندو سرد بماند و در سرما نیز حرارتی برای ساکنان کندو ایجاد می‌کنند. عده‌ای هم بالا سر حجره‌ها بال می‌زنند تا این که رطوبت عسل بخار شود (قابل توجه تقلب کارهای بازار ما! جنس بی

رطوبت را رطوبت دار می‌کنند تا سنگین تر شود و پول بیشتری به جیب بزنند!

هر کسی را بهر کاری ساختند:

رسول اکرم اسلام صلی الله علیه و آله فرمودند: بیکار نمائید و تلاش کنید زیرا در وجود شما زمینه کار و فعالیت موجود است و خداوند حکیم انسان و ابزار و استعداد کار را با هم آفریده است. پیامبر در سخنی فرمودند:

«اعْمَلُوا فَاكُلْ مَيْسَرًا لِمَا خُلِقَ لَهُ»^۱

کار و تلاش کنید که خداوند توان و استعداد آنچه که برای آن آفریده شده را در وجود آدمیان قرار داده است. به بهانه اینکه روزی تقسیم شده بیکار نمائید: قرآن مجید فرمود:

۱ (توحید صدوق صفحه ۳۵۶)

«وَأَنْ لَيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَىٰ وَأَنْ سَعْيُهُ سَوْفَ يُرَىٰ»^۱

برای انسان جز آنچه تلاش کند چیزی نیست و نتیجه تلاش را هم خواهد دید.

امام حسن عسکری علیه السلام فرمود: اینکه شنیده اید رزق و روزی افراد تقسیم شده است باعث بیکاری و دست روی دست گذاشتن شما نشود:

«لَا يَشْغَلُكَ رِزْقٌ مَّضْمُونٌ عَنْ عَمَلٍ مَّفْرُوضٍ»^۲

یعنی رزق تقسیم شده خدایی، تو را از وظیفه‌ای که در قبال کار داری باز ندارد.

عده‌ای که به دنبال بهانه‌اند تا می‌شنوند که روزی انسان معین است چه کار بکنی و چه نکنی تن به تن پروری می‌دهند و فعالیتی نمی‌کنند، این چنین افرادی نه مورد رضای خدا و نه خلقند.

۱ (نجم ۳۹-۴۰)

۲ (تحف العقول صفحه ۴۸۹)

حق پدر ایجاد شغل برای فرزند است:

رسول اکرم اسلام صلی الله علیه و آله فرمود:

«حَقُّ الْوَالِدِ عَلَى وَالِدِهِ أَنْ يُحْسِنَ اسْمَهُ وَأَدَبَهُ وَيَضَعَهُ
مَوْضِعًا صَالِحًا»^۱

حق فرزند به گردن پدر این است که نام زیبایی برای او بگذارد و تربیت صحیح او را عهده‌دار شود و او را در محلی صالح خوب به کار گیرد.

پسندیده‌ترین کار:

قال الصادق عليه السلام: «أَزْرَعُوا وَاعْرِسُوا، فَلَا وَاللَّهِ مَا عَمِلَ
النَّاسُ عَمَلًا أَحَلَّ وَلَا أَطْيَبَ مِنْهُ»^۲

۱ (من لا يحضره الفقيه جلد ۴ صفحه ۳۷۲)

۲ (کافی جلد ۵ صفحه ۲۶۰)

زراعت کاری کنید و درختکاری نمائید که بخدا قسم هیچ عملی بهتر از این نیست.

در میان انبیاء الهی به غیر از حضرت ادريس که خیاط بود بقیه غالباً به کشاورزی اشتغال داشته‌اند.^۱

آری در کشاورزی و درخت کاری امید به لطف خدا و به فکر آیندگان بودن و خیر رسانی به نسل حال و آینده نهفته است، کشاورز با توکل قوی بر خداوند گندم و بذر را روی خاک‌های زمین می‌ریزد و چند صباحی بعد منتظر ثمر دادن آن می‌باشد.

سیره امام متقین:

در سیره زندگی سراسر تلاش امیرمؤمنان (علیه السلام) گفته‌اند:

۱ (وسائل ج ۴)

«لَمَّا كَانَ يَفْرُغُ مِنَ الْجِهَادِ يَتَفَرَّغُ لِتَعْلِيمِ النَّاسِ وَ الْقَضَاءِ بَيْنَهُمْ فَإِذَا فَرَغَ مِنْ ذَلِكَ اشْتَغَلَ فِي حَاطِطٍ لَهُ يَعْمَلُ فِيهِ بِيَدَيْهِ وَهُوَ مَعَ ذَلِكَ ذَاكِرٌ لِلَّهِ تَعَالَى»

حضرت علی علیه السلام چونکه از جهاد در راه خدا فارغ می‌شد زمانش را برای یاد دادن به بندگان خدا تنظیم می‌کرد و پس از آن در بین مردم قضاوت می‌کرد و مسائل مردم را حل و فصل می‌کرد و وقتی که از این کار فراغتی پیدا می‌کرد به کار بنائی و کارهای یدی مشغول می‌شد و در تمام این حالات همواره ذکر خدا می‌گفت.

علی گاه با تازیانه به بازار می‌آمد:

كَانَ عَلِيٌّ يَخْرُجُ إِلَى السُّوقِ وَمَعَهُ الدَّرَّةُ فَيَقُولُ: «إِنِّي

أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْفُسُوقِ وَمِنْ شَرِّ هَذِهِ السُّوقِ»^۱

با تازیانه به دست می‌گفت: خدایا من پناه می‌برم به تو
از فسق‌ها و از شر این بازار!

حکم انواع کسب و تجارت:

تجارت و کاسبی در اسلام به پنج نوع تقسیم می‌شود:

الف: تجارت واجب، انسان باید خودش و افراد تحت تکفلش را اداره کند، یعنی اینکه تأمین خانواده و افراد واجب النفقه جزء واجبات است.

ب: تجارت مستحب: اشتغال به کسب و کار برای وسعت دادن به زندگی شخصی و همچنین ایجاد رفاه و بهبود زندگی اجتماعی از کارهای مستحبی است که در شرع مقدس از آن تمجید فراوانی شده است.

ج: تجارت مکروه: بعضی از کارها به دلیل دنباله‌هائی که دارد مکروه شناخته شده‌اند مانند شغل کفن فروشی که طبیعی است هر کسی برای فروش جنس خود بدنبال مشتری بیشتر می‌گردد و شاید علت کراهت این کار بخاطر این است که آرزوی مرگ مردم جزء سرشت مهربان مردم نبوده و از طبیعت انسانی که از انس گرفته شده به دور باشد.

د: تجارت حرام: برخی از شغل‌ها اشاعه گناه را در پی دارد و برخی از خرید و فروش‌ها خودش از نظر شرعی و دین ممنوع شمرده شده است مانند خرید و فروش شراب و مسکر حرام است و تبعات آن نیز ناپسند و حرام می‌باشد.

ه: تجارت مباح: در این نوع تجارت از تبعات تجارت‌های قبلی خبری نیست و لذا نه حرام نه مکروه و نه مستحب و نه واجب است، بلکه معامله اجناس و کالاهای روزمره است که همواره در بازار با آن کار می‌کنند و روزگار می‌گذرانند.

نکته: رسول اکرم اسلام ﷺ فرمودند: برکت ده بخش است که نه قسمت آن در تجارت وجود دارد.^۱

امام صادق (علیه السلام) فرمود: ترک تجارت سبب نقصان عقل می‌شود.^۲

گریه علی به حال اهل بازار:

امیرمؤمنان علی (علیه السلام) وارد بازار بصره شد و دید که همگان مشغول داد و ستد هستند گریه کرد و گفت: ای بندگان دینار و درهم! در روز در حین کسب و کار قسم می‌خورید و شبانه در رختخوابتان می‌خوابید و در این بین از آخرت غافلید، پس چه زمانی زاد و توشه آخرتتان را تجهیز خواهید نمود و چه زمانی به فکر معاد و قیامت خواهید افتاد؟^۳

۱ (بخارج ۱۰۳ ص ۴۲)

۲ (همان)

۳ (سفینه البحار ج ۱ ص ۶۷۴)

دو نوع سود کاسبی:

مقصود از قبول زحمت کسب و تجارت سود بردن است یعنی انسان کار می‌کند تا از آن بهره‌ای ببرد حال باید بداند که سود بر دو نوع است: سود حلال و سود حرام، اما سود حلال سودی است که از کاسبی حلال بدست انسان می‌آید، مانند معاملاتی که صورت می‌گیرد و در آن خرید و فروش جنس حرام نیست یا در آن ربا و نزول نیست که این در آمد و سود حلال و مشروع است.

اما سود غیر حلال سودی است که از داد و ستدها و معاملات حرام بدست انسان می‌رسد، مانند غش در معامله و جنس را غیر از آنچه هست معرفی کردن و اغفال نمودن مشتری و یا اجناس تقلبی فروختن و امثال اینهاست.

کاسب دیندار:

دینداری هر صنفی از صنوف جامعه بستگی به روشی دارد که بوسیله آن امتحان می‌شود و کاسب و تاجر دیندار نظر به اینکه در معرض بسیاری از لغزشها قرار دارد اگر بتواند پاک زندگی کند به یقین دارای اجر و مزد بزرگی در پیشگاه خداوند خواهد بود.

در اینجا به برخی از صفات کاسب دیندار می‌پردازیم:

- ۱- با نیت الهی کارش را شروع می‌کند و به یقین وقتی که شخصی نیت خدائی در کارش بود گناه نخواهد کرد.
- ۲- در نیتش قصد کمک به جامعه و به خصوص اقشار ناتوان آن می‌باشد.
- ۳- در گرفتن سود منصفانه و به اندازه عقلائی بسنده خواهد کرد.

۴- اخلاق برخوردی‌اش اسلامی و پسندیده خواهد بود.

- ۵- کسب و کارش را به احترام وقت نماز تعطیل خواهد کرد و با اعتقاد به اینکه خداوند جبران می‌کند لحظه ملکوتی نماز از کار دست خواهد کشید.
- ۶- در تعیین قیمت بین مشتریان مسلمان تفاوت نخواهد گذاشت مگر به خاطر امتیازات دینی و نیازمندی مشتریان.
- ۷- در کیل و پیمان و داد و ستد طرف مشتری را گرفته منتظر برکت الهی می‌باشد زیرا گفته‌اند رحم کن تا خدا رحمت کند.
- ۸- عیب کالا را به مشتری بگوید.
- ۹- از تدلیس یعنی آرایش جنس پرهیز کند.
- ۱۰- دیرتر به بازار برود و زودتر برگردد و به عکس آنچه در مورد مسجد گفته شده است.
- ۱۱- هرگز وارد معامله‌ای که بین دو طرف حرفش زده شده نشود.
- ۱۲- در معامله و خرید و فروش از قسم خوردن پرهیز کند

زیرا قسم خوردن اگر به دروغ باشد حرام و اگر راست هم باشد مکروه و ناپسند است.

قبل از تجارت:

تجارت کاری ظریف است و باید به فنون آن آشنایی داشته باشیم زیرا از سوی خدا برای این منصب مقدس دستورالعمل‌هایی آمده است.

امیرمؤمنان (علیه السلام) گاهی در بازار با شمشیری بدست می‌فرمود:

يَا مَعْشَرَ التُّجَّارِ الْفَقْهَ ثُمَّ الْمُتَجِرِ الْفَقْهَ ثُمَّ الْمُتَجِرِ الْفَقْهَ ثُمَّ الْمُتَجِرِ:

ای تاجران! اول یادگیری مسائل شرعی سپس تجارت.^۱

آری کسی که مسائل شرعی کسب و تجارت را نداند

دیری نپاید که در حرام و شبهه غوطه‌ور می‌شود.^۲

امام باقر (علیه السلام) فرمود:

۱ (اصول کافی ج ۵ ص ۱۵۰)

۲ (وسائل ج ۱۷ ص ۳۸۲)

حضرت علی (علیه السلام) هر روز صبح در حالی که تازیانه خود را بر دوش نهاده بود در یک یک بازارهای کوفه گردش می‌کرد و به هریک از بازاری‌ها که می‌رسید می‌فرمود: خیر و برکت را از خداوند بخواهید، سخت‌گیری را کنار بگذارید، معاملات را با سهولت و آسانی انجام دهید، میان خریداران فرق نگذارید، خود را با حلم و حوصله آراسته کنید، از دروغ و قسم خودداری کنید، از ظلم و اجحاف پرهیزید یار و یاور مظلومان باشید و هرگز به ربا نزدیک نشوید پیمان‌ها و میزان را مراعات کنید و از حق مردم کم نگذارید و در راه فساد و تباهی هرگز گام مگذارید.^۱

نکته:

قوم حضرت شعیب پیامبر، کم فروشی و غش در معامله می‌کردند و سخن این پیامبر دلسوزشان را گوش نمی‌دادند و

۱ (اصول کافی ج ۵ ص ۱۵۱)

سرانجام به خشم و غضب الهی گرفتار شدند. ۱.

خرید و فروش باطل:

۱- معامله چیزی که استفاده معمولی از آن حرام باشد مانند آلات موسیقی و آلات قمار.

۲- خرید و فروش مال غصبی مگر اینکه صاحب مال رضایت بدهد.

۳- معامله‌ای که در آن ربا باشد.

۴- خرید و فروش عین نجس مانند مشروبات مست کننده و خرید و فروش سگ غیر شکاری و خوک.

البته آنچه در بالا ذکر شد گاهی منافع حلال و مفیدی دارند و اگر به آن عنوان باشد مانعی ندارد مانند خرید و فروش خون برای تزریق به بیماران و...

فروشنده و خریدار:

در داد و ستدی که صورت می‌گیرد فروشنده شرائطی دارد و خریدار نیز شرائطی که اگر شرائط رعایت نشود چه بسا که معامله باطل باشد:

- ۱- هر دو باید بالغ باشند.
- ۲- هر دو باید عاقل باشند.
- ۳- طرفین نباید سفیه باشند یعنی باید عقل معاش داشته باشند نباید عقلشان معیوب باشد.
- ۴- قصد و تصمیم بر خرید یا فروش جنس خود را داشته باشند و باشوخی حرفی را به زبان نیاورند.
- ۵- مجبور به خرید یا فروش نشده باشند.
- ۶- مالک آن جنس که خریده یا فروخته می‌شود باشند یا مانند پدر و جدّ ولایت و اختیار مال بچه را داشته باشند.

احتکار ممنوع:

در مسیر به دست آوردن لقمه‌ی حلال احتکار کردن یعنی انبار کردن ارزاق عمومی مردم ممنوع و حرام است.

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: «لَا يَحْتَكِرُ إِلَّا الْخَوَّانُونَ»^۱

جز افراد خیانتکار کسی احتکار نمی‌کند.

محتکر حرص بیجا می‌زند و نسبت به درد جامعه بی‌درد است البته تمام آنچه در مذمت محتکرین گفته شده در خصوص محتکران ارزاق عمومی مردم است، یعنی اگر مثلاً روزگاری بناست گندم و برنج گران شود، شخص محتکر گندم‌ها را می‌خرد و به امید گران‌تر شدن آنها را نگه می‌دارد و مردم همچنان محتاج و گرفتار می‌مانند.

۱ (کنز العمال حدیث ۹۷۳۸)

داستان:

امام صادق علیه السلام خادمش را صدا زد و پرسید از ارزاق منزل مانند گندم و جو چه مقدار موجود است؟ او هم گفت: الحمد لله وضع خوب است، داریم! حضرت فرمود همه را در بازار بفروش و پس از این هر مقدار نان که لازم داشتیم به تدریج مانند همه مردم از بازار تهیه می‌کنیم. همین امام بزرگوار در جای دیگری فرمودند: خداوند با نعمت دانه‌های گندم بر مردم و بندگانش منت نهاد و شپش را آفت آن قرار داد و اگر چنین نمی‌بود زمامداران آن را نیز همچون زر و سیم می‌اندوختند و احتکار می‌کردند.^۱

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: «لَا يَحْتَكِرُ إِلَّا خَاطِئٌ»^۲

کسی جز گنهکار دست به احتکار نمی‌زند.

۱ (بخار ج ۱۰۳ ص ۸۷)

۲ (نهج الفصاحه حدیث ۲۵۲۴)

خداوند در وجود انسان دادگاهی قرار داده است که برای برخی از کارهایش او را به محاکمه می‌کشد و توبیخ و تنبیهش می‌کند و آن دادگاه دادگاه وجدان است که اتفاقاً در قرآن در کنار دادگاه قیامت از آن یاد شده است آنجا که می‌فرماید:

«لَا أُقْسِمُ بِيَوْمِ الْقِيَامَةِ وَلَا أُقْسِمُ بِالنَّفْسِ اللَّوَّامَةِ»^۱ قسم به روز قیامت و قسم به وجدان ملامتگر.

قال علی عليه السلام: «مِنْ طَبَائِعِ الْأَعْمَارِ إِتْعَابُ النَّفْسِ فِي الْإِحْتِكَارِ»^۲

به رنج انداختن خود برای احتکار از خصلت‌های ابلهان است.

اینان که با تقلب و احتکار می‌خواهند روزگار بگذرانند توکلشان بر خداوند ضعیف است و رزق و روزی را از این و

۱ (قیامت ۱)

۲ (غررالحکم فصل ۷۸ حدیث ۱۰۰)

آن می‌طلبند در حالی که آن گاهی که این خدعه و نیرنگ‌ها را نداشتند خداوند رزق آنها را قبل از تولد برایشان در شیر مادر و با وساطت والدین آماده کرده بود.

غم روزی مخور برهم مزن اوراق دفتر را
که قبل از طفل ایزد پر کند پستان مادر را

قال علی (علیه السلام): «كُلْ حُكْرَةً تَضُرُّ بِالنَّاسِ وَتُغْلِلُ السَّعَرَ
عليهم فلا خيرَ فيها»^۱

هر احتکاری که به مردم زیان رساند و نرخ‌ها را بالا ببرد
خیر و برکتی ندارد.

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ): «الْمُحْتَكِرُ مَلْعُونٌ»^۲
رسول خدا (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ) فرمود: احتکار کننده از رحمت خدا دور است.

۱ (میزان ص ۳۶۴)

۲ (بحار الانوار جلد ۵۹ صفحه ۲۹۲)

محتکر اگر همه مالش را صدقه دهد:

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: «أَيُّمَا رَجُلٍ اشْتَرَى طَعَامًا فَحَبَسَهُ
أَرْبَعِينَ صَبَا حَا يُرِيدُ بِهِ غَلَاءَ الْمُسْلِمِينَ تُرْبَاعَهُ فَتَصَدَّقَ
بِشَمْنِهِ لَمْ يَكُنْ كَفَّارَةً لِمَا صَنَعَ»^۱

هر کس مواد خوراکی را بخرد و برای اینکه آن را به مسلمانان گران بفروشد آن را حبس و احتکار کند، اگر همه درآمد آن را هم صدقه بدهد کفاره گناه او نخواهد شد.

۱- احتکار گناهی در کنار زنا و شراب:

رسول خدا ﷺ فرمود: در شب معراج نگاهی به جهنم افکندم دره‌ای دیدم که می‌جوشید به مالک دوزخ گفتیم: ای مالک این دره جای کیست؟

گفت جای سه گروه: کسانی که احتکار می‌کنند و افرادی که دائم الخمرند یعنی همواره شراب می‌نوشند و کسانی که دلال زنا می‌شوند.^۱

حاکم اسلام حق دارد که وقتی مردم به جنسی چون ارزاق خوراکی و حتی مایحتاج دیگر نیاز دارند انبار او را خالی کرده و به نفع عموم مردم آن را با قیمت واقعی به فروش برساند و اصل پول را به او داده و بقیه را به بیت المال واریز نماید.

محتکر از صفات انسانی دور است:

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: «بِئْسَ الْعَبْدُ الْمُحْتَكِرُ إِنَّ أَرْحَصَ
اللَّهُ تَعَالَى الْأَسْعَارَ حَزَنَ وَإِنْ أَعْلَاهَا اللَّهُ فَرَحَ»^۲

بد بنده‌ای است محتکر، اگر خداوند قیمت‌ها را کاهش دهد، او غمگین می‌شود و اگر گران شود شاد می‌شود!

۱ (وسائل جلد ۱۷ صفحه ۴۲۶)

۲ (نهج الفصاحه حدیث ۱۰۷۹)

خمس سرمایه:

یکی از وظائف هر تاجر یا کاسبی ادا کردن خمس و زکات است، اینها را خدا از بین برنده فقر و محرومیت از جامعه قرار داده است، زکات مربوط به فقراء جامعه و خمس مربوط به سادات فقیر است.

واژه غنیمت و غرامت هر یک شش بار در قرآن آمده است. همانگونه که غرامت شامل هرگونه ضرر مالی می‌شود نه فقط ضرر جنگی، غنیمت هم نه تنها درآمد جنگی بلکه هرگونه منفعتی را در برمی‌گیرد و در قرآن لفظ غنیمت برای غنائم غیر جنگی هم بکار رفته است،

«فَعِنْدَ اللَّهِ مَغَانِمٌ كَثِيرَةٌ»^۱

خمس در اسلام از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است به طوری که اگر کسی خمس مالش را ندهد نمی‌تواند در مالش تصرف کند.

جریان پرداخت خمس از این قرار است که کاسب یا تاجر یا هرکسی که در آمدی دارد یک روز از سال را به عنوان آغاز سال خمسی خود قرار می‌دهد و در آن روز هر سال حساب می‌کند که چقدر درآمد داشته و چقدر خرج و برج زندگی داشته و اگر پس از محاسبه از این درآمد و آن خرج و برج زندگی چیزی اضافه داشت یک پنجم آن را بر اساس دستور قرآن و نظر همه مراجع تقلید باید به مرجع یا نماینده مرجع تقلیدش بسپارد تا آنها در راه نشر معارف دین به سراسر عالم و اداره حوزه‌های علمیه و کارهای عام المنفعه و نیز خرج سادات فقیر نمایند

خاصیت دادن خمس:

اداء دین الهی است، دل‌کندن از آنچه خدا از او خواسته است و کمک به انتشار اسلام به تمامی جهان و پاک شدن

اموال می‌شود، همهٔ اهل تجربه می‌گویند: دادن خمس برکتی صد چندان به کسب و کارشان داده است.

زکات:

پرداخت زکات مال نیز یکی از واجباتی است که هر کسی که دارای گندم و جو و خرما و کشمش و طلا و نقره و شتر و گاو و گوسفند باشد باید بر اساس دستورات خدا و رسول و آنچه که در رساله‌های عملیه مراجع تقلید معین شده است بپردازد. در آیه ۱۰۳ سوره مبارکه توبه خطاب به رسول خدا ﷺ شده است که: از اموال آنان صدقه (زکات) بگیر تا بدینوسیله آنان را پاک کنی و پرورش دهی و هنگام گرفتن صدقه برای آنها دعا کن که دعای تو آنها را آرامش دهد و خداوند شنوا و داناست.

در هر جا سخن از نماز به میان آمده است سخن از زکات

هم هست؛

«وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَمَا تُقَدِّمُوا لِأَنفُسِكُمْ
مِنْ خَيْرٍ تَجِدُوهُ عِنْدَ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ»^۱

و نماز را برپا دارید و زکات بدهید و هر خیری که برای
خودتان از پیش فرستید، آن را نزد خدا می‌یابید خداوند به هر
کاری که می‌کنید بیناست.

زکات همچون خمس یک دستور قرآنی است و هرکسی
که دارای اموال مشمول زکات باشد باید به میزانی که برایش
معین شده زکات پردازد.

قال الصادق (عليه السلام): «لَا صَلَاةَ لِمَنْ لَا زَكَاةَ لَهُ»^۲
نماز کسی که زکات نمی‌دهد پذیرفته نیست.

۱ (بقره ۱۱۰)

۲ (دعائم الإسلام جلد ۱ صفحه ۲۴۷)

ندادن زکات و نزول بلا:

قال الرضا عليه السلام: «إِذَا حُسِبَتِ الزَّكَاةُ مَاتَتِ الْمَوَاشِي»^۱

هرگاه زکات پرداخته نشود چارپایان دچار مرگ و میر

می‌شوند.

امام صادق عليه السلام فرمود:

زکات به منظور آزمون توانگران و کمک به مستمندان
وضع شده است، اگر مردم زکات‌های خود را می‌پرداختند
هیچ مسلمانی فقیر و نیازمند نمی‌ماند و به سبب آنچه خداوند
بر او واجب کرده است بی‌نیاز می‌شد، مردم فقیر و نیازمند و
گرسنه و برهنه نشدند مگر به گناه ترک زکات از سوی
ثروتمندان.^۲

۱ (بحارالانوار جلد ۷۰ صفحه ۳۷۳)

۲ (من لا يحضره الفقيه جلد ۲ صفحه ۷)

زیاد شدن ثروت:

رسول اکرم اسلام صلی الله علیه و آله فرمود: اگر می‌خواهی خدا دارائی تو را زیاد کند زکات مال خود را پرداز.^۱

مانع الزکات و لحظه مرگ:

امام صادق علیه السلام فرمود: هر کس از دادن زکات امتناع کند لحظه مرگ از کسانی خواهد بود که به خدا التماس می‌کنند که خدایا مرا به دنیا برگردان تا عمل صالح انجام دهم و خدا به او جواب منفی می‌دهد.

زکات، مال را کم نمی‌کند:

قال علی علیه السلام: «حَصَّنُوا أَمْوَالَهُمْ بِالزَّكَاةِ»

دارایی‌های خود را بوسیله زکات حفظ کنید.

۱ (بخارالانوار جلد ۹۶ صفحه ۲۳)

۲ (بخارالانوار جلد ۹۳ صفحه ۲۲)

امام حسین (علیه السلام) فرمود: با دادن زکات هرگز از مال کسی چیزی کم نمی‌شود.^۱

سه گروه سارق:

قال الصادق (علیه السلام): «السُّرَّاقُ ثَلَاثَةٌ مَانِعُ الزَّكَاةِ وَمُسْتَحِلُّ مُهُورِ النَّسَاءِ وَكَذَلِكَ مِنْ اسْتِدَانِ دَيْنًا وَلَمْ يَنْوَ قَضَاءَهُ»^۲

دزدان سه گروهند: ۱- کسی که زکات ندهد. ۲- کسی که مهریه زنان را بر خود حلال شمرده. ۳- و کسی که وام بگیرد و قصدش این باشد که پس ندهد.

پس در کسب و کار حلال یکی از کارهایی که باید انجام بگیرد پرداخت خمس و زکات است که در اصطلاح مردم به پاک کننده اموال نام گذاری شده است.

۱ (همان)

۲ (خصال، جلد ۱ صفحه ۱۵۳)

گران فروشی:

نوعاً از گران فروشی همراه با بی انصافی نام برده می‌شود و از جمله آفت‌های کسب و تجارت می‌باشد، این صنعت مذموم در شرع مقدس ممنوع و در عرف مردم ناپسند به شمار می‌آید و از عواملی است که برکت کسب و کار را از بین می‌برد.

امام صادق (علیه السلام) فرمودند: فریب دادن مؤمن در معامله و خرید و فروش حرام است.^۱

اگر چه در معاملات سود مشخصی مورد نظر نیست مگر هر آنچه را نظام اسلامی یا تصمیم گیرندگان تنظیم بازار در نظر می‌گیرند ولی شخص فروشنده باید در فروش جنس، جانب انصاف را رعایت نماید.

گران فروشی نوعی فریب دادن خریدار است، امام صادق (علیه السلام) فرمود:

۱ (وسائل الشیعه جلد ۱۲ صفحه ۳۶۴)

کسی که مسلمانی را در خصوص معامله و داد و ستد فریب دهد از ما نیست.^۱

همان امام بزرگوار فرمود: کسی را که به تو اطمینان دارد فریب مده زیرا فریب دادنش جایز نیست.^۲

عوامل گران فروشی

۱- حرص:

یکی از عوامل گران فروشی یا هرگونه تقلبی همانا حرص به دنیا و همان حب و علاقه به زندگی زودگذر این عالم می‌باشد. امام صادق (علیه السلام) فرمود:

«حُبُّ الدُّنْيَا رَأْسُ كُلِّ خَطِيئَةٍ»^۳

ریشه و اساس هر گناهی علاقه به دنیاست.

۱ (وسائل الشیعه جلد ۱۷ صفحه ۲۸۳)

۲ (همان)

۳ (مصباح الشریعه صفحه ۱۳۸)

۲- دوری از سیره پیشوایان دین:

در سیره پیشوایان دین مسئله انصاف و مروّت به وفور دیده می‌شود.

داستان :

امام صادق علیه السلام مالی را به غلامی به نام مصادف داد و او رفت اجحاف کرد و دو برابر مال را به امام صادق علیه السلام برگرداند امام نپذیرفت و فرمود: نسبت به مردم نیازمند بی انصافی کردی و من این سود را نمی‌خواهم.

۳- امانت و اعتماد را از بین می‌برد:

قال الصادق علیه السلام: «غَلَاءُ السَّعْرِيِّ خُلُقٌ وَيُذْهِبُ الْأَمَانَةَ»^۱

گران شدن اجناس سبب بد خلقی و از بین رفتن امانت داری می‌شود.

۱ (کافی جلد ۵ صفحه ۱۶۴)

ربا:

در اسلام حرمت ربا از مسائل مسلّم و حتی از ضروریات دین به شمار می‌آید و گاهی در روایات معصومین با تعبیرات تکان دهنده‌ای از آن یاد می‌شود.

در برخی احادیث از ربا به عنوان همسنگ با زنا با محارم نام برده شده است.

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: «يَا عَلِيُّ! دِرْهَمٌ رِبَاً أَعْظَمُ عِنْدَ اللَّهِ مِنْ أَرْبَعِينَ زَنْبَةً»^۱

ای علی! یک درهم ربا از نظر گناه و معصیت از چهل بار نزدیکی حرام بدتر است.

چند گروه برای ربا لعنت شده‌اند:

علی (علیه السلام) می‌فرماید: رسول خدا ﷺ این افراد که دست-

اندر کاران ربا هستند را لعنت کرده است:

۱ (وسائل الشیعة جلد ۱۸ صفحه ۱۲۲)

- ۱- آکله: ربا خوارها ۲- بايعه: فروشندهگان را ۳- مشتريه:
 خريداران را ۴- کاتبه: نويسندگان صورت جلسه را
 ۵- شاهديه: دو شاهد معامله را.

این همه لعن و نفرین در کمتر گناهی از رهبران رئوف
 دین شنیده شده است.

اگر فضای کسب و کارمان به ربا و نزول آلوده شد به این
 زودی‌ها تطهیر نمی‌شود، بی برکتی‌های بازار که از ناحیه این بلای
 خانمان سوز به سراغش آمده است بر کسی مخفی نیست.

از آثار غضب خداست:

قال الصادق عليه السلام: «إِذَا أَرَادَ اللَّهُ بِقَوْمٍ هَلَاكًا ظَهَرَ فِيهِمْ

الرِّبَا»^۱

زمانی که خداوند اراده کند قومی را هلاک کند ربا در میان
 آنان ظاهر می‌گردد.

۱ (وسائل الشیعه جلد ۱۸ صفحه ۱۲۳)

در عرف مردم مسلمان و بازاریان متعهد رایج بوده است که اگر اندکی ربا وارد زندگی انسان بشود مانند چنگال تیز درنده‌ای است که زندگی انسانی را چنگ بزند بوده و برون رفت از دام آن بسیار سخت است لذا این افراد مؤمن مالشان را از آلوده شدن به ربا دور نگه داشته‌اند.

قال الباقر (علیه السلام): «أَخْبَثُ الْمَكَاسِبِ كَسْبُ الرِّبَا»^۱

پلیدترین پلیدی‌ها در آمد پیدا کردن مال از طریق ربا می‌باشد.

اهمیت اجتناب از بازار:

در احادیث مفصلی از سوی ائمه دین دستور یادگیری فقه تجارت داده شده و نکته مهم آن این است که در این احادیث بیشتر به مسئله ربا اشاره شده است یعنی اگر درس تجارت نخوانید

۱ (کافی جلد ۵ صفحه ۱۴۷)

خوف واقع شدن در ربا در آن خواهد بود مانند حدیث اصبع بن نباته که از شاگردان حضرت علی (علیه السلام) است.^۱

دشمنان می‌گویند کسب و کار، همانند رباست!

جواب این ایرادی که در قرآن هم از قول بیگانگان به قرآن وارد شده آن است که اولاً: لابد فرق دارد که یکی از آنها را خدا حلال و دیگری را حرام قرار داده است:

«أَحَلَّ اللَّهُ الْبَيْعَ وَحَرَّمَ الرِّبَا»^۲

خداوند تجارت را حلال و ربا را حرام قرار داده است.
ثانیاً: کسب و کار، درآمد از راه کار محصول می‌دهد اما ربا محصول ظلم به دیگران است.

۱ (من لا یحضره الفقیه جلد ۳ صفحه ۱۹۴)

۲ (بقره ۲۷۵)

بعضی از گونه‌های معامله ربایی:

۱- در خرید و فروش و معامله معمولی هر دو طرف معامله به طور یکسان در معرض سود و زیان هستند یعنی گاهی هر دو سود می‌کنند و یا هر دو ضرر می‌کنند و گاهی هم یکی سود و یکی زیان می‌بیند ولی در معامله همراه با ربا یک طرف که رباخوار است هرروز بر سرمایه‌اش افزوده می‌شود و طرف دیگر که مال را در اختیار او گذاشته هرروز مفلوک و زمین خورده می‌شود! مؤسسه‌های بزرگ ربا گیرنده متأسفانه هرروز وسیع‌تر و پر درآمدتر می‌شوند.

۲- در معاملات معمولی دو طرف کار تولیدی می‌کنند در صورتی که در معاملات ربوی رباخوار هیچ کاری انجام نمی‌دهد و زالو صفت، خون‌های مکیده از جان مردم را صرف شکم خود می‌کند و بس!

۳- معاملات معمولی باعث رشد اقتصاد و رشد کشاورزی و

پیشرفت اوضاع کشور و مردم می‌شود در حالیکه در معاملات ناسالم سرمایه‌ها در مسیر ناسالمی قرار می‌گیرد و در حقیقت یک عضو ورم می‌کند و یک عضو لاغر و مریض می‌شود.

۴- در رباخواری عداوت و دشمنی و طبقه طبقه شدن اجتماع است ولی در معاملات معمولی نشاط است و جامعه به سمت و سوی طبقاتی شدن نمی‌رود.

دو گونهٔ ربا:

- ۱- ربای قرضی: ربای قرضی به این صورت است که قرض دهنده شرط کند زیادتر از مقداری که قرض داده است بگیرد که این کار حرام است.
- ۲- ربای در معامله: ربای در معامله عبارت است از مبادله دو کالای مثل هم با دریافت اضافی مانند فروش یک کیلو گندم با دو کیلو گندم یا فروش یک کیلو گندم به یک کیلو گندم و هزار تومان پول است.

نکته‌های مسائل ربا:

- ۱- ربا دادن همانند ربا گرفتن حرام است.
- ۲- ربا گرفتن پدر و فرزند از یکدیگر و زن و شوهر از یکدیگر مانعی ندارد.
- ۳- ربا گرفتن از کافری که در پناه اسلام نیست اشکال ندارد.^۱

۱ (رساله مراجع)

مضاربه:

حکم مضاربه:

اگر دو نفر با هم قرارداد ببندند که یکی از آنها پولی را به دیگری بدهد تا با آن پول تجارت کند و اگر سودی به دست آمد باهم تقسیم کنند به چنین قراردادی مضاربه می‌گویند و به کسی که مال را تحویل گرفته تا با آن معامله کند عامل و به صاحب پول مالک می‌گویند.^۱

در مضاربه که یکی از عقود اسلامی است پول از یک نفر و کار از طرف مقابل او می‌باشد.

در مضاربه سود به نسبت مساوی تقسیم می‌شود مثلاً می‌گویند نیمی از سود از آن مالک و نیم دیگر از آن عامل است و مقدار نیم مشخص نیست و فقط درصد سود هر طرف

۱ (تحریر الوسیله جلد ۱ صفحه ۶۰۵)

معلوم است در حالیکه در ربا مقدار مشخص می‌شود.
در مضاربه عامل باید حتماً کار کند و حق ندارد سرمایه
را راکد بگذارد در حالیکه در ربا فقط مقدار مشخص می‌شود
و به شغل طرف کاری ندارند.
در مضاربه هرگاه زیانی وارد شد زیان متوجه سرمایه
می‌شود نه عامل، مگر اینکه عامل کوتاهی کرده باشد در
حالیکه در ربا ضرر متوجه وام گیرنده است نه مالک. در
مضاربه اگر سود آور نباشد مالک حق مطالبه سود ندارد در
حالیکه در ربا باید وام گیرنده در هر مدت مبلغی به وام دهنده
بپردازد خواه سود بکند یا نه پس چیزی به نام مضاربه، صحیح
ولی ربا، ناصحیح و حرام می‌باشد.

علت حرام بودن ربا:

امام محمد باقر (علیه السلام) فرمود: خداوند عزوجل ربا را حرام فرمود تا احسان کردن از بین نرود.^۱

و امام جعفر صادق (علیه السلام) فرمود:

اگر ربا حلال بود مردم کار تجارت و کسب رزق و روزی خود را رها می‌کردند پس خداوند ربا را حرام کرد تا مردم از حرام خواری دست کشیده به تجارت و خرید و فروش روی آورند و زیادی مال را به یکدیگر قرض دهند.^۲

جنس فروخته شده پس گرفته شود:

اگر مشتری جنس را خرید و سپس پشیمان شده و بدون تصرف پس آورد، اسلام می‌گوید کاسب آن را پس بگیرد و به این کار اقاله می‌گویند. در روایات اسلامی است که اگر این

۱ (من لایحضره الفقیه صفحه ۵۶۶)

۲ (وسائل جلد ۱۸ صفحه ۱۱۶)

کار را کردید خدا هم بسیاری از پشیمانی‌های شما را قبول خواهد نمود، اقاله هم احکامی دارد که به بعضی از آن احکام اشاره می‌کنیم:

۱- کار پسندیده‌ای است:

امام صادق علیه السلام فرمود: خدای عزوجل در روز قیامت به چهار گروه نظر می‌کند از جمله آنان کسی است که معامله پشیمانی را اقاله کند یعنی جنس فروخته شده را پس بگیرد.

۲- اقاله در همه معاملات جاری است جز نکاح و به هر لفظی که گفته شود صحیح است حتی اگر لفظی هم در کار نباشد صحیح است.

احکام غصب:

غصب آن است که انسان از روی ظلم مال یا حق کسی را تصرف کند که این از گناهان بزرگ است و هم توبه سختی

دارد و هم اگر انسان مال را به صاحبش نداد عاقبت سختی در قیامت در انتظار او خواهد بود.

موارد غصب زیادند:

مثل غصب در اماکن عمومی مانند جلوگیری کردن از مردم برای استفاده از مسجد، جاده، پیاده روها و... در غصب کل ترقی قیمتی یا زاد و ولد گوسفند و افزایش قیمت مربوط به صاحب مال است و غاصب باید به صاحبش بپردازد.

فروش مال غصبی بدون اذن صاحبش حرام است. فروش اموال کودک بدون اذن ولی کودک غصب و حرام است.

کسانی که حق تصرف در مال خودشان را ندارند:
چند دسته‌اند که حق استفاده از مال خودشان را ندارند
از جمله:

۱- کودک نابالغ:

کودک نابالغ اگر مالی دارد که به ارث یا هبه (هدیه) به او
تعلق گرفته است بدلیل کودک بودن حق تصرف در آن را
ندارد و ولی شرعی او باید آن مال را حفظ یا به مصلحت او
خرج کند. و ولی کودک پدر یا جد پدری و یا سرپرست تعیین
شده از طرف پدر یا جد پدری و یا حاکم شرع و یا افراد
عادلی که به خوبی و درستی مشهورند می‌باشد.

مشتریان کودک:

معامله با کودک نابالغ جایز نیست مگر اینکه او واسطه
بین والدین باشد، البته خرید اجناس جزئی که معمولاً توسط

خود کودکان نیز خریده و مصرف می‌شود مانعی ندارد.

۲- دیوانه و سفیه:

کسی که عقل درستی ندارد و مال را نادرست خرج می‌کند نباید در مال خودش تصرف کند.

۳- مفلس و ورشکسته:

کسی که بدهی‌اش از موجودی‌اش بیشتر است و حاکم شرع او را از تصرف در اموالش منع کرده را مفلس و مهجور می‌نامند که با چهار شرط از تصرف در اموالش منع می‌شود:
الف: بدهی او نزد حاکم شرع ثابت شده باشد.

ب: به غیر از خانه و ماشین که مستثنیات دین حساب می‌شوند اموالش از بدهی‌هایش کمتر باشد.

ج: زمان بدهی‌اش سر رسیده باشد.

د: تمام یا عده‌ای از طلبکاران از حاکم شرع بخواهند که اموالش را ضبط کند.

سر قفلی:

سرقفلی عبارت است از حق اولویتی که مستاجر بر ملک پیدا می‌کند در مقابل پولی که به مالک در اول کار می‌پردازد و مطابق آن مستاجری که سرقفلی پرداخته در اجاره کردن آن ملک از دیگران اولی است.

سرقفلی شرائطی دارد:

الف: مقدار سرقفلی باید معلوم باشد و طرفین با میل و رضایت خود معامله را انجام دهند و بالغ و عاقل و رشید باشند و معنی سر قفلی و لوازم آن را بدانند.

ب: صاحب ملک می‌تواند ملک خود را به دیگری اجاره دهد و علاوه بر مال الاجاره از او سرقفلی بگیرد در این صورت ملکی را که اجاره داده نمی‌تواند به دیگری اجاره دهد هرچند مدت اجاره تمام شده باشد ولی اگر مستاجر اول که سرقفلی پرداخته موافقت کند می‌تواند به دیگری اجاره بدهد،



مستاجر اول نیز حق دارد سرقفلی آن ملک را به دیگری واگذار کند خواه به قیمتی بیشتر یا کمتر باشد.

ج: هرگاه مدت اجارهٔ ملکی که سرقفلی آن گرفته شده تمام شود مالک موظف است آن را به همان مستاجر یا شخص دیگری که او موافقت کند اجاره دهد و مقدار مال الاجاره به قیمت عادلانهٔ روز یا نظر کارشناس مورد اطمینان خواهد بود.
د: کسی که ملکی را اجاره کرده و سرقفلی پرداخته هنگامی که مدت اجاره به سر رسید حق ندارد بدون اذن صاحب ملک در آنجا بماند و اگر آن را تخلیه نکند غاصب است و...^۱

بیمه:

بیمه قراردادی است بین بیمه کننده و شرکت یا شخص بیمه گر و بر این اساس است که در برابر پولی که به آن شرکت یا آن شخص می دهد خسارت های وارده بر انسان یا چیزی را جبران کند و این معامله و قرارداد مستقلی است که با شرایطی که گفته خواهد شد صحیح است. طرفین بیمه باید بالغ و عاقل باشند و قرارداد بیمه را از روی اراده و اختیار انجام دهند و هیچ کدام سفیه نباشند، علاوه بر این باید تمام خصوصیات را معین کنند از جمله:

۱- تعیین مورد بیمه که فلان وسیله نقلیه یا فلان ساختمان یا فلان شخص است.

۲- دو طرف قرارداد، معین باشند.

۳- تعیین اقساط و مبلغی را که بیمه کننده باید بپردازد.

۴- تعیین زمان بیمه که مثلاً از فلان روز تا یکسال است.

۵- تعیین خطرهایی که موجب خسارت می‌شود مانند خطر آتش سوزی یا بمباران یا غرق شدن یا سرقت یا وفات یا بیماری یا هرگونه خطر دیگر.

۶- تعیین سقف قیمت چیزی که بیمه شده مثلاً فلان خانه به مبلغ دو میلیون تومان یا کمتر و بیشتر بیمه شده است یا به قیمت عادلانه روز و مانند آن و به هر حال باید اصول کلی که در بیمه در میان عرف عقلاً رایج است رعایت شود.

۷- صیغه عقد بیمه را می‌توان با هر زبانی خواند یا قرارداد بیمه را روی کاغذ آورد و آن را امضاء کرد.^۱

کم فروشی:

خداوند در شش موضوع از قرآن مجید برای کم فروشان هشدار داده است که یکی از آنها این آیه است:

«وَيْبُلُ لِمُطَفِّفِينَ الَّذِينَ إِذَا أَكْتَالُوا عَلَى النَّاسِ يَسْتَوْفُونَ
وَإِذَا كَالُوا لَهُمْ أَوْزَنُوا لَهُمْ يُخْسِرُونَ»^۱

وای به حال کم فروشان! آنان که وقتی چیزی را با پیمانه یا وزن از مردم تحویل می‌گیرند کاملاً حق خود را تحویل می‌گیرند ولی وقتی چیزی را تحویل مردم می‌دهند در پیمانه و وزن کمتر می‌دهند.

نکته‌ای که در اینجا هست اینست که کم فروشی فقط در داد و ستد و خرید و فروش نیست بلکه این دستور الهی نسبت به همه چیز صادق است.

گران فروشی:

یکی از آفت‌های بزرگ در مسئله خرید و فروش گران فروشی است و این صفت در عرف مردم مسلمان و در شریعت اسلامی مذمت شده است و فطرت پاک آدمی آن را نمی‌پسندد. فروشنده‌ای که امروز جنسی را گران می‌فروشد فردا که برای زندگی خودش به آن نیاز دارد و آن را گران می‌خرد واقعاً ناراحت می‌شود.

امام صادق علیه السلام فرمود: فریب دادن مؤمن در معامله حرام است.^۱

گران فروشی مصداق بارز بی‌انصافی و بی‌مروتی و فریب است.

البته از نظر شرعی سود گرفتن در فروش جنس حدّ معینی ندارد ولی گاهی در حدّ اجحاف به دیگران است که در شرع مقدس مذمت شده است.

رسول خدا ﷺ: هرکس در خرید یا فروش چیزی، مسلمانی را فریب دهد از ما نیست و در قیامت با یهودیان محشور خواهد شد زیرا یهود فریب کارترین افراد نسبت به مسلمانانند.^۱

اجناس خارجی:

بعضی از مواد غذایی از کشورهایی می‌آید که مردمش کافرند و به سرزمینشان سرزمین کفر می‌گویند، حال سؤال این است که از این انواع خوراکی‌ها یا نوشیدنی‌ها می‌شود استفاده کرد؟

۱ (همان ص ۲۸۳)

- جواب این است که در این کالاها خارجی و داخلی‌اش فرق نمی‌کند و با سه شرط استفاده از آنها بلا مانع است.
- ۱- یقین نداشته باشیم که چیز نجسی در آن وجود دارد.
 - ۲- مواد غذایی‌اش از اعضاء بدن حیوان نباشد.
 - ۳- مجتهد جامع الشرائط حکم به منع نداده باشد.

جنس تاریخ گذشته

اگر فروشنده اطلاع یابد که جنسش فاسد شده باید آن را از گردونه فروش خارج کند و اگر نکرد و به مشتری داد و ضرری به مشتری رسید مدیون است و باید خرج درمان او را بپردازد و اگر مشتری به واسطه استفاده از آن کالا فوت کند حتی حکم قصاص برایش جاری می‌شود البته این در صورتی است که فروشنده یقین به فساد کالایش داشته و خطر آن را می‌دانسته است.

جنس جامانده از مشتری:

اگر مشتری جنسی را خرید و فراموش کرد که آن را ببرد صاحب مغازه نمی‌تواند در آن تصرف کند و باید منتظر باشد تا صاحبش را پیدا کند ولی اگر از مواد غذایی یا خراب شدنی باشد صاحب مغازه آن را برمی‌دارد و تصرف می‌کند ولی پول آن را به مشتری بدهکار است و باید بپردازد و اگر صاحبش پیدا نشد نهایتاً از طرف صاحبش آن را صدقه بدهد.

قسم خوردن:

در عرف ما و به خصوص در عرف بعضی از بازاریان ما قسم خوردن رسم است و سخنان خودمان را گاهی با چاشنی قسم‌های متعدد بیان می‌کنیم که این از رسوم بسیار ناپسند است، گاهی در محاورات معمولی گفته شده که به طرف می‌گوید: حرف زدی باور کردم، اصرار کردی شک کردم، قسم خوردی به دروغ بودن سخنت یقین پیدا کردم!

قال علی علیه السلام: «يَا مَعَاشِرَ السَّمَاوِيَّةِ أَقْلُوا الْإِيمَانَ فَإِنَّهَا
مَنْقَصَةٌ لِلسَّلْعَةِ مَمْحَقَةٌ لِلرِّيحِ»^۱

ای کسبه و تجارا! کمتر قسم بخورید زیرا قسم خوردن سبب کسادی جنس و از میان رفتن برکت سود است. آری قسم خوردن عملی ناپسند است و باید کسبه بدانند که این سوگندها گاهی کفاره دارند که در کتب فقهی و رساله توضیح المسائل نوع کفاره آن را بیان کرده‌اند.

کسب و کار از طریق گلدکویست:

شرکت گلدکویست کار خود را مبتنی بر بازاریابی شبکه‌ای می‌داند و معامله در آن، به این صورت است که شخص، محصول را از شرکت می‌خرد و سپس خود شروع به یافتن

مشتری برای شرکت می‌کند و در قبال جذب تعداد معینی مشتری از شرکت حق واسطه‌گری (پورسانت) می‌گیرد.

گلدکویست حرام است:

فعالیت این قبیل شرکت‌ها که جذب سرمایه می‌کنند به خاطر ضررهای فراوانی که برای اقتصاد کشور دارد ممنوع است.

ضررهایش از این قبیل هستند:

- ۱- خارج شدن ارز از کشور بدون نتیجه.
- ۲- نداشتن امنیت سرمایه گذاری در آنها.
- ۳- بالا رفتن نرخ بهره و گران شدن کالاها.
- ۴- ضررهائی که به اعضاء و زیر شاخه‌ها وارد می‌شود، زیرا زیر شاخه‌هایی موفق نشده‌اند عضوی را جذب کنند در نتیجه قسمت اعظم سرمایه خود را از دست داده‌اند.

سؤال:

حکم شرکت در طرح تجاری گلدکویست و مانند آن چیست؟



جواب:

شرکت کردن و عضو شدن در هر نوع بازاریابی شبکه‌ای که به صورت هرمی و بی‌انتهاست، جایز نیست.^۱

دلالی:

دلالی یعنی واسطه شدن در خرید و فروش که به آن سمساری هم می‌گویند این کار درست و اجرت آن هم حلال است. اجرتی که دلال برای دلالی برای کارش می‌گیرد حلال و مشروع است.

اگر معامله‌ای که توسط دلال صورت گرفته بعداً به هم بخورد مزد دلال باید پرداخت شود.

دلالی در معامله حرام، حرام است و درآمد آن هم حرام می‌باشد و باید پولی را که گرفته است به صاحبش برگرداند.

۱ (مراجع تقلید رساله دانشجویی ص ۵۹۴)

دلال، امین است بنابراین چنانچه مال در دست او تلف شود، در صورتی که در نگهداری آن کوتاهی نکرده باشد ضامن نیست.

فروش جنس معیوب:

اگر جنس معیوبی به فروش برسد و خریدار آن را برگرداند لازم است فروشنده آن را پس بگیرد و اگر خدای نکرده با استفاده از آن کسی خسارت ببیند فروشنده ضامن است.

نکته‌های رزق حلال

رزق حلال که همان لقمه حلال است را خداوند وعده داده است و اگر ما با توکل بر او به دنبالش برویم یقیناً آلوده به حرام نخواهیم شد، اگر بدانیم که خدا به مورچه‌ها، کرم‌های زیر خاک، انسان‌های بی دست و پا روزی می‌دهد و رزق همه را مقرر کرده است بدنبال بازی‌های شیطانی برای بدست آوردن لقمه‌ای نخواهیم رفت، اگر بدانیم که «بر سر هر لقمه بنوشته عیان، این بود رزق فلان بن فلان» دیگر تقلب و کلاهبرداری نخواهیم کرد حال خوب است در این قسمت از بحث لقمه‌های حلال به چندین روایتی که در این باب است اشاره کنیم:

۱- روزی تضمین شده است:

«وَكُلُوا مِمَّا رَزَقَكُمُ اللَّهُ حَلَالًا طَيِّبًا»^۱

بخورید از آنچه را رزق شما را خدا از حلال قرار داده است.

۲- روزی حلال تقسیم شده است:

«... وَرَزَقَكُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ»^۱

و روزی داد خدا شما را از مال پاک و حلال که سپاس
گزاری کنید.

۳- رزق حلال تا لحظه مرگ:

«وَأَنْفِقُوا مِنْ مَا رَزَقْنَاكُمْ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَ أَحَدَكُمُ الْمَوْتُ»^۲

از آنچه به شما روزی دادیم در راه خدا انفاق کنید تا قبل
از رسیدن زمان مرگتان.

۴- بی حساب روزی می‌دهد:

«وَاللَّهُ يَرْزُقُ مَنْ يَشَاءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ»^۳

و خداوند روزی رسان است برای کسی که بخواهد آن

۱ (انفال ۲۶)

۲ (منافقون ۱۰)

۳ (بقره ۲۹۲)

هم بدون حساب.

۵- روزی بی گمان:

«وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا وَيَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ»^۱

کسی که تقوا داشته باشد خدا برای او محل خرجی و رزقی قرار می‌دهد از طریقی که حسابش را نکرده است.

۶- رازق نه بلکه رزاق است:

رزاق یعنی بسیار روزی رسان و این صفت الهی است که قرآن می‌فرماید:

«إِنَّ اللَّهَ هُوَ الرَّزَّاقُ ذُو الْقُوَّةِ الْمَتِينُ»^۲

خداوند بسیار روزی رسان، و صاحب قوت و قدرت می‌باشد.

۱ (طلاقی ۲-۳)

۲ (ذاریات ۵۸)

۷- رزق سهمیه بندی شده است:

«مَنْ قَسَمْنَا بَيْنَهُمْ مَعِيشَتَهُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا»^۱

ما تقسیم کردیم بین آنها معیشت آنان را در دوران زندگی دنیا.

۸- خدا از رزق مورچه غفلت نمی‌کند:

قال علي عليه السلام: «انظروا إلى التَّمَلَّةِ»^۲

نگاه کنید به مورچه...

۹- رزق سفیه:

«إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى وَسَّعَ فِي أَرْزَاقِ الْحَمَقَى لِيَعْتَبِرَ الْعُقَلَاءَ»^۳

خدا رزق افراد کم عقل را می‌دهد تا مایه درس عبرتی

برای صاحبان عقل باشد.

۱ (زخرف ۳۲)

۲ (نهج البلاغه خطبه ۱۸۵)

۳ (کافی جلد ۵ صفحه ۸۳)

۱۰- حافظا! وظیفه تو دعا کردن است و...

وظیفه ما این است که دعا کرده و از خداوند بخواهیم.

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ فَضْلِكَ الْوَاسِعِ رِزْقًا حَلَالًا لَا طَيْبًا»^۱

خدایا از فضل وسیعت ما را از روزی پاک و حلال

بهره‌مند گردان.

عوامل جلب روزی:

۱- نیکی کردن:

امام صادق (علیه السلام): «إِنَّ الْبِرَّ يَزِيدُ فِي الرِّزْقِ»^۱

نیکی کردن باعث زیاد شدن رزق و روزی می‌شود.

۲- خوش اخلاقی:

قال الصادق (علیه السلام): «حُسْنُ الْخُلُقِ يَزِيدُ فِي الرِّزْقِ»^۲

خوش اخلاقی سبب زیاد شدن رزق و روزی می‌شود.

۳- ظرفیت داشتن:

قال الصادق (علیه السلام): «فِي سَعَةِ الصَّدْرِ كُنُوزُ الْأَرْزَاقِ»^۳

در سعه صدر و ظرفیت داشتن گنج‌های رزق و روزی

نهفته است.

۱ (بحار الانوار جلد ۷۱ صفحه ۸۱)

۲ (بحار الانوار جلد ۶۸ صفحه ۳۹۶)

۳ (کافی جلد ۸ صفحه ۲۳)

۴- آسان‌گیری بر مردم:

قال علی عليه السلام: «التَّسَاهُلُ يُدْرَأُ الْأَرْزَاقُ»^۱

ملاطفت و آسان‌گیری با مردم ارزاق انسان را تضمین می‌کند.

۵- اطعام کردن:

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «الرِّزْقُ أَسْرَعُ إِلَى مَنْ يُطْعِمُ الطَّعَامَ
مِنَ السَّكِينِ فِي السَّنَامِ»^۲

رزق و روزی به سوی کسی که (دست و دل بازی کرده) و سفرهٔ اطعام می‌دهد برنده‌تر از کارد در کوهان شتر اثر می‌کند و نصیبش می‌شود.

۶- امانت داری:

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «اسْتِعْمَالُ الْأَمَانَةِ يَرْبِي فِي الرِّزْقِ»^۳

۱ (تصنيف غرر الحكم حديث ۹۲۷۳)

۲ (وسائل الشيعة جلد ۱۶ صفحه ۳۳۱)

۳ (خصال جلد ۲ صفحه ۵۰۵)

امانت داری رزق و روزی را زیاد می‌کند.

۷- پاکیزه بودن:

قال رجل للنبي ﷺ أحبُّ أن يوسع عليّ في الرزق
قال ﷺ: «دُم على الطهارة يوسع عليك في الرزق»^۱

کسی به رسول خدا ﷺ گفت: دوست دارم روزی‌ام زیاد شود، حضرت فرمود: همواره با طهارت و پاکیزگی باش رزق و روزی‌ات زیاد می‌شود.

۸- صدقه دادن:

قال عليّ عليه السلام: «أَكْثَرُ وَأَمِنَ الصَّدَقَةِ تُرْزَقُوا»^۲
زیاد صدقه بدهید تا رزقتان زیاد شود.

۱ (کنز العمال حدیث ۴۴۱۵۴)

۲ (ارشاد القلوب جلد ۱ صفحه ۴۵)

۹- زکات دادن:

قال الباقر عليه السلام: «الزَّكَاةُ تَزِيدُ فِي الرِّزْقِ»^۱

زکات دادن باعث زیاد شدن رزق و روزی می‌شود.

۱۰- خوش بینی:

قال علي عليه السلام: «مَنْ حَسُنَتْ نِيَّتُهُ زِيدَ فِي رِزْقِهِ»^۲

هرکس خوش بین و خوش نیت باشد رزقش زیاد می‌شود.

۱۱- استغفار کردن:

قال الصادق عليه السلام: «إِذَا اسْتَبَطَّاتِ الرِّزْقَ فَأَكْثَرَ مِنْ

الِاسْتِغْفَارِ»^۳

زمانی که رزقت اندک شد ذکر استغفار را زیاد بگو.

۱ (أمالی طوسی صفحه ۲۹۶)

۲ (تحف العقول صفحه ۲۹۵)

۳ (بحار الأنوار جلد ۶۶ صفحه ۴۰۷)

۱۲- خوبی کردن به خانواده:

قال الصادق عليه السلام: «مَنْ حَسُنَ بِرُهُ بِأَهْلِ بَيْتِهِ زِيدَ فِي

رِزْقِهِ»^۱

هرکس خوش رفتاری نسبت به خانواده‌اش داشت رزق

و روزی‌اش زیاد می‌شود.

۱۳- طلب رزق حلال:

در اسلام سفارش بسیاری درباره طلب رزق و روزی

حلال شده است یعنی یک مسلمان واقعی تنها به دنبال لقمه

نمی‌رود بلکه بدنبال لقمه حلال است و حتی از لقمه شبیهه

ناک پرهیز می‌کند.

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله: «الْعِبَادَةُ عَشْرَةَ أَجْزَاءٍ تِسْعَةٌ أَجْزَاءٍ

فِي طَلَبِ الْحَلَالِ»^۲

۱ (بحار الأنوار جلد ۷۱ صفحه ۱۰۴)

۲ (بحار الأنوار جلد ۱۰۰ صفحه ۱۸)



عبادت ده قسمت است نه قسمت آن مربوط به کسب لقمه حلال است.

۱۴- زحمت کشی:

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: «الْكَادُّ عَلَى عِيَالِهِ كَالْمُجَاهِدِ فِي سَبِيلِ

اللَّهِ»^۱

تلاشگری که برای عائله‌اش زحمت می‌کشد همچون مجاهد راه خداست.

۱۵- واجب دانستن کار:

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: «طَلَبُ الْحَلَالِ فَرِيضَةٌ بَعْدَ

الْفَرِيضَةِ»^۲

طلب روزی حلال پس از واجبات واجب است.

۱ (کافی جلد ۵ صفحه ۸۸)

۲ (فقه القرآن جلد ۲ صفحه ۳۱)

۱۶- قانع بودن:

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: «طُوبَى لِمَنْ أَسْلَمَ وَكَانَ عَيْشُهُ كَهَافًا»^۱

خوشا به حال کسی که تسلیم باشد و زندگی‌اش بر اساس قناعت و کفاف باشد.

۱۷- به حرام نیفتادن:

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: «مَا مِنْ عَبْدٍ اسْتَحْيَا مِنَ الْحَلَالِ إِلَّا

ابْتَلَاهُ اللَّهُ بِالْحَرَامِ»^۲

هیچ بنده‌ای نیست که از حلال کناره‌گیری کند آلا اینکه خدا به حرام مبتلایش می‌کند.

۱۸- اکتفاء به کم:

در انجیل بنا به فرموده امام صادق (علیه السلام) نوشته شده است

که کسی به خدا گفت: خدایا یک نان جو در صبحدم به من

۱ (نهج الفصاحه حدیث ۱۹۰۹)

۲ (نهج الفصاحه حدیث ۲۶۸۹)

عطا کن و یک گرده نان هم شبانه و بالاتر از این به من نده
که مایه طغیان است.^۱

۱۹- بدان که روزی مقدر است:

قال علی عليه السلام: «لَنْ يَفُوتَكَ مَا قُسِمَ لَكَ فَأَجْمِلْ فِي الطَّلَبِ»،^۲
بدان که هرگز آنچه که روزی تو قرار گرفته از دست
نمی‌رود تو رزقت را به خوبی از خدایت طلب کن.

۲۰- غصه روزی سالت را نخور:

علی عليه السلام فرمود:

بدست آوردن روزی یکساله... را بر یک روز تحمیل نکن
زیرا خداوند رزق هر روزت را کفالت کرده و اگر این سال
جزء عمرت باشد پس خدا در هر روز جدیدی رزق تو را
می‌رساند و اگر آن روز یا سال از عمر تو مقدر نشده باشد،

۱ (بحارالانوار ج ۲۲)

۲ (تصنیف غرر حدیث ۹۱۸۸)

فما همك بما ليس لك، پس چه تلاشی می‌کنی برای چیزی که به نفع تو نیست؟

۲۱- همه نانخور خدائیم:

قال علی عليه السلام: «كُلُّكُمْ عِيَالُ اللَّهِ سُبْحَانَهُ وَاللَّهُ سُبْحَانَهُ
كَافِلُ عِيَالِهِ»^۱

همه شما عائله و نان خور خدائید و خدای سبحان کفالت کننده بر عائله خود است.

۲۲- رزق و اجل مقدر است:

قال علی عليه السلام: «رِزْقُ كُلِّ امْرِيٍّ مُقَدَّرٌ كَتَقْدِيرِ اجَلِهِ»^۲
رزق هر کسی معلوم است همچنان که عمر و اجلش معلوم می‌باشد.

۱ (غرالحکم فصل ۶۹ حدیث ۳۴)

۲ (غرالحکم فصل ۳۶ حدیث ۴۰)

۲۳- حرص لازم نیست:

قال علی علیه السلام: «الرِّزْقُ مَقْسُومٌ الْحَرِيصُ مُحْرَمٌ»^۱

رزق انسان معلوم است و کسی هم که حرص بیجا می‌زند محروم می‌باشد.

۲۴- اگر روزی به دانش و عقل ما بستگی داشت!

قال علی علیه السلام: «لَوْ جَرَّتِ الْأَرْزَاقُ بِالْأَبْأَبِ وَالْعُقُولُ لَمْ تَعِشِ الْبَهَائِمُ وَالْحَمَقَى»^۲

اگر جریان رزق و روزی با عقل‌های شما بود هرگز چهارپایان و آنان که کمبود عقل دارند چیزی نداشتند.

۲۵- رزق بدنبال انسان است!

قال علی علیه السلام: «رِزْقُكَ يَطْلُبُكَ فَأَرْحِ نَفْسَكَ مِنْ طَلْبِهِ»^۳

۱ (تصنیف غرر حدیث ۹۱۷۸)

۲ (تصنیف غرر حدیث ۹۲۰۶)

۳ (عیون الحکم حدیث ۴۹۳۳)

رزق، تو را طلب می‌کند پس خودت را (از حرص زدن) راحت کن.

۲۶- کسی سهم رزق تو را نمی‌خورد:

قال علی (علیه السلام): «لَنْ يَسْبِقَكَ إِلَى رِزْقِكَ طَالِبٌ»^۱

هرگز کسی بر تو سبقت نمی‌گیرد کسی که رزق تو را طلب کند.

۲۷- روزی حتمی:

به امیرمؤمنان گفتند: اگر درهای خانه را ببندند از کجا رزق و روزی وارد خانه می‌شود؟ فرمود: از آنجا که اجل وارد می‌شود.^۲

۲۸- روزی طفل:

امام حسین (علیه السلام) در دعای عرفه می‌گوید خدایا رزق مرا

۱ (نهج البلاغه حکمت ۳۷۹)

۲ (نهج البلاغه)

قبل از تولدم در پستان مادر و مهر مرا در دل مادر قبل از دنیا
آمدنم قرار دادی! ^۱

۲۹- زیادی نخواهیم:

قال علی (علیه السلام): «یا بن آدم! ما کسبت فوق قوتک فأنت فیه
خازنٌ لغيرک» ای فرزند آدم آنچه بیش از خوراک خودت
درخواست و جمع آوری می‌کنی بدان که تو خزانه‌دار دیگرانی! ^۲

۳۰- گاهی دری بسته می‌شود ولی!

قال الصادق (علیه السلام): «مَا سَدَّ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ عَلَى مُؤْمِنٍ بَابَ
رِزْقٍ إِلَّا فَتَحَ اللَّهُ لَهُ مَا هُوَ خَيْرٌ مِنْهُ» ^۳

خدا بر روی مؤمنی دری را نمی‌بندد إلا اینکه دری بهتر
از آن را به روی او می‌گشاید.

۱ (دعای عرفه)

۲ (نهج البلاغه)

۳ (من لا يحضره الفقيه جلد ۳ صفحه ۱۶۶)

۳۱- رفیق غریبه‌ها نباش:

قال العسکری علیه السلام: «لَا يَشْغَلُكَ رِزْقُ مَضْمُونٍ عَنْ عَمَلٍ مَفْرُوضٍ»^۱

تو را مشغول نکند رزق تضمین شده الهی که از عمل واجب و عبادت دورت کند.

۳۲- رزق خدائی دائمی است:

قال الله تعالى: «وَرِزْقُ رَبِّكَ خَيْرٌ وَأَبْقَى»^۲

رزق پروردگارت بهتر و دائمی‌تر است.

۳۳- تا رمق در ما هست روزی هم هست:

قال علی علیه السلام: «لِكُلِّ ذِي رَمَقٍ قُوَّةٌ»^۳

۱ (تحف العقول صفحه ۴۸۹)

۲ (طه ۱۳۱)

۳ (کافی جلد ۸ صفحه ۲۳)

هر صاحب رمقی قوت معینی از سوی خدا دارد.

۳۴- اگر رزق بیشتر باشد:

«وَلَوْ بَسَطَ اللَّهُ الرِّزْقَ لِعِبَادِهِ لَبَغَوْا فِي الْأَرْضِ»^۱

اگر (در تقسیم رزق و روزی) فراوانی باشد مردم سرکش می‌شوند و در زمین طغیان و سرکشی می‌کنند.

۳۵- وسیله‌ای برای آزمایش:

امیرمؤمنان فرمود: خداوند تقدیر و اندازه‌گیری نمود
ارزاق مردم را، گاه زیادش می‌کند و گاهی کم گاهی تنگ
گاهی گسترده تا اینکه بشر را بیازماید شکر او را، صبر او را
در غنا و فقر...^۲

۳۶- چگونه درخواست روزی کنیم:

شخصی به نام ابو عبیده به امام صادق (علیه السلام) عرض کرد از

۱ (شوری ۲۷)

۲ (نهج البلاغه)

خداوند بخواه رزق مرا مستقیم بدهد و بدست بندگان قرار ندهد، حضرت فرمود: خداوند از این کار ابا دارد رزق بندگان به دست بندگان است لکن از خدا بخواه که رزق و روزی بدست بندگان خوب بدست تو برسد.^۱

۳۷- هرکس به کم قانع باشد:

قال الصادق عليه السلام: «مَنْ رَضِيَ بِالْيَسِيرِ مِنَ الْمَعَاشِ رَضِيَ اللَّهُ مِنْهُ بِالْيَسِيرِ مِنَ الْعَمَلِ»^۲

هرکس به اندازه کم قانع باشد خدا هم به عبادت اندک او راضی است.

۳۸- کم و به اندازه بهتر است:

قال رسولُ اللهِ صلى الله عليه وآله: «مَا قَلَّ وَكَثُرَ خَيْرٌ مِمَّا كَثُرَ»^۳

۱ (بخاری ج ۷۸)

۲ (بخاری الأنوار جلد ۶۶ صفحه ۴۰۶)

۳ (کافی جلد ۲ صفحه ۱۴۱)

آنچه کم و کافی است بهتر است از زیاد و سرگردانی.

۳۹- طلب حلال واجب است:

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: «طَلَبُ الْحَلَالِ فَرِيضَةٌ...»^۱

کسب و درخواست مال حلال واجب دینی است.

۴۰- اگر رزق مقدر شود:

قَالَ عَلِيٌّ (عَلَيْهِ السَّلَامُ): «لَنْ يَغْلِبَكَ عَلَى مَا قَدَّرَكَ غَالِبٌ»^۲

کسی نمی‌تواند رزق و روزی مقدرت را از بین ببرد.

۴۱- رضایت به مقدرات جزء ایمان است:

قَالَ عَلِيٌّ (عَلَيْهِ السَّلَامُ): «أَرْضَ بِمَا قَسَمَ لَكَ تَكُنْ مُؤْمِنًا»^۳

به رزق قسمت شده راضی باش تا از مؤمنان باشی.

۱ (بحار الأنوار جلد ۱۰۰ صفحه ۹)

۲ (غررالحکم فصل ۷۲ حدیث ۳۶)

۳ (غررالحکم فصل ۲ حدیث ۱۰۵)

عوامل منع روزی:

* گناه:

قال الباقر عليه السلام: «إِنَّ الْعَبْدَ لَيُذْنِبُ الذَّنْبَ فَيُرْوَى عَنْهُ الرِّزْقُ»^۱

بنده گناه می‌کند و رزق و روزی از او دور می‌شود.

* مال حرام:

قال الصادق عليه السلام: «كَثْرَةُ السُّحْتِ يَمَحَقُ الرِّزْقَ»^۲

زیادی مال حرام رزق و روزی حلال را از بین می‌برد.

* حق دیگران خوردن:

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله: «مَنْ حَبَسَ عَنِ أَخِيهِ الْمُسْلِمِ شَيْئًا مِنْ حَقِّهِ حَرَّمَ اللَّهُ عَلَيْهِ بَرَكَةَ الرِّزْقِ إِلَّا أَنْ يَتُوبَ»^۳

۱ (کافی جلد ۲، صفحه ۲۷۰)

۲ (تحف العقول صفحه ۳۷۲)

۳ (من لا يحضره الفقيه، ج ۴، ص: ۱۵)

کسی که مال برادر مسلمانش را بالا بکشد خداوند او را از برکت رزق و روزی محروم می‌کند مگر اینکه سر عقل آمده و توبه کند.

نام گذاری محل کار:

نام گذاری محل کار همچون نامگذاری فرزندان نمودار فرهنگ هرکسی هست، ما فرهنگی غنی و دارای الگو داریم گاه دیده می‌شود محل کار را به نامی خارجی می‌گذارند در حالیکه نمی‌دانند نام چیست و یا نام کیست! که این خود دلیلی بر خود کم بینی افراد و خود فراموشی است.

رسول اکرم اسلام ﷺ نام‌های زمان جاهلیت را عوض کرد.

«أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ كَانَ يُغَيِّرُ الْأَسْمَاءَ الْقَبِيحَةَ فِي الرِّجَالِ وَ

الْبُدَانِ»^۱

رسول خدا ﷺ نام‌های نامناسب افراد و محله‌ها را عوض کرد.

نام گذاری‌های غربی و فرنگی گاهی از روی نادانی و گاهی به خاطر مد و تجدد گرایی و گاهی از روی بی فرهنگی صورت می‌گیرد، و البته گاهی هم چشم و هم چشمی. عزیزی را که نام محل کسبش را فروشگاه لایت گذاشته بود و پدرش مرد متدینی بود اعتراض کرده پیشنهاد داد یک واو جلوی آن بگذار تا فروشگاه ولایت شود!

چند شرط در مضاربه:

در مضاربه اولاً: سرمایه باید پول باشد نه کالا یعنی سرمایه‌گذار باید پولی را در اختیار عامل بگذارد تا با آن تجارت کند، پس مضاربه دادن کالا صحیح نیست. ثانیاً: مقدار آن معین باشد ثالثاً: مال باید مال دیگری نباشد و اگر باشد باید یا وکالت و یا ولایت بر آن داشته باشد.

حکم اشیائی که در مغازه جامانده:

گاهی از سوی مشتری چیزی در مغازه یا تاکسی یا تعمیرگاه و امثال اینها جا می‌ماند که تکلیف اینها از نظر شرعی مشخص است: از آنجا که حفظ مال مؤمنان همچون حفظ جانشان بر همگان واجب است، مال به جامانده از ارباب رجوع باید نگهداری شود تا صاحبش برگردد و اگر مدتی که غالباً می‌گویند تا یکسال نگهداری شد و صاحبش نیامد و انسان از آمدن صاحب آن ناامید شد می‌تواند آنرا یا قیمت آن را از طرف صاحبش به فقیر صدقه بدهد.

معامله نقد و نسیه:

در خرید و فروش دو نوع عمل می‌شود یک صورت آن جنس آماده و پول نقد و قیمتی مشخص شده که خریدار و فروشنده باهم توافق می‌کنند.

نوع دیگرش نسیه است یعنی جنس را خریداری می‌خرد ولی پول را بعداً خواهد داد و طبیعی است که این نوع دوم جنس گران‌تر می‌شود که مانعی ندارد.

لزوم دفتر ثبت اجناس:

وقتی کسی به نسیه جنسی می‌خرد لازم است فروشنده آنرا یادداشت کند زیرا انسان در معرض عارضه‌هایی از قبیل مرگ یا فراموشی است و این حکم کلی و همه گیر است که قرآن مجید می‌فرماید:

«إِذَا تَدَايَنْتُمْ بِدَيْنٍ إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى فَاكْتُبُوهُ»^۱

یعنی اگر قرض یا دینی بین شما هست حتماً آن را یادداشت کنید.

این حکم همگانی است یعنی فرضاً اگر سلمان و ابوذر هم با

یکدیگر دینی داشتند باید بنویسند در عین اینکه رفاقت و اعتماد بین این دو مسلم است ولی باید یادداشت شود.

خرید و فروش در بازار مسلمین:

اگر از بازار مسلمین و دست اهل دین کالائی خریداری نمائیم باید بدانیم که انشاءالله پاک و حلال است. کسی از امام جعفر صادق علیه السلام پرسید که می‌خواهم از بازار مسلمانان پنیر بخرم آیا درست است؟ امام علیه السلام فرمود:

«فَاشْتَرِ الْجُبْنَ مِنْ أَسْوَاقِ الْمُسْلِمِينَ»

خریداری کن پنیر را از بازار مسلمین...

موارد فسخ معامله:

گاهی معامله و داد و ستدی صورت می‌گیرد و سپس به هم می‌خورند یا یکی از طرفین می‌خواهند آن را فسخ کنند که فسخ مواردی دارد از قبیل:

۱- فسخ عیب:

اگر جنس خریداری شده با نظر کارشناسی معیوب بود خریدار میتواند یا تفاوت قیمت بگیرد و یا معامله را فسخ کند یعنی به هم بزند.

۲- فسخ تدلیس:

اگر فروشنده جنس خود را بهتر از آنچه هست جلوه داده و مشتری متضرر شده می‌تواند فسخ تدلیس کرده معامله را به هم بزند.

۳-فسخ شرط:

اگر دو طرف معامله شرط کنند که تا مثلاً سه روز دیگر یا تا آخر هفته حق فسخ داشته باشند و هر دو قبول کنند می‌توانند معامله را فسخ کرده و به هم بزنند.

۴-فسخ تخلف شرط:

اگر خانه‌ای بخرد و شرط کند که فلان شیء نیز در خانه باشد ولی فروشنده به شرطش عمل نکند مشتری حق فسخ تخلف شرط را دارد و می‌تواند به هم بزند.

۵-فسخ رؤیت:

اگر مشتری چیزی را از مشتری بخرد که آن را ندیده فقط اوصافش را شنیده پس از معامله و دیدن معلوم می‌شود که آن اوصاف در جنس نیست می‌تواند معامله را به هم بزند.

۶-فسخ حیوان:

اگر مورد معامله خرید و فروش حیوان باشد خریدار تا سه روز حق فسخ معامله را دارد.

۷-فسخ شرکت:

اگر جنسی را بخرد و سپس معلوم شود که این جنس شریک داشته می‌تواند با آن شریک شراکت کند یا اینکه معامله را فسخ کند.

۸-فسخ عدم تسلیم:

اگر جنسی را بخرم که فروشنده نتواند آن را تسلیم خریدار کند مانند خرید ماشینی که به سرقت رفته است مشتری حق فسخ تعذر تسلیم دارد و می‌تواند آنرا به هم بزند.

۹-فسخ با شخص مفلس:

اگر فروشنده پول را از مشتری دریافت نکرده باشد و پس از معامله متوجه شود مشتری مفلس شده می‌تواند معامله را فسخ کرده کالایش را پس بگیرد.

۱۰-فسخ مغبون شدن:

اگر خریدار یا فروشنده پس از انجام معامله قیمت‌ها را متوجه شوند و بدانند که مغبون شده‌اند می‌توانند فسخ غبن کنند و معامله را به هم بزنند.

۱۱-فسخ مجلس:

اگر خریدار یا فروشنده در مجلسی که معامله صورت گرفته هستند و پشیمان شدند می‌توانند فسخ کنند و هنوز از هم جدا نشده‌اند معامله را به هم بزنند.

۱۲- فسخ تأخیر:

اگر جنسی فروخته شده ولی هنوز تحویل خریدار نشده و شرطی هم برای تأخیر در جنس نشده است در این صورت تا سه روز معامله لازم و پس از آن فروشنده می‌تواند جنس را تحویل ندهد و آنرا فسخ کند.

۱۳- فسخ جنس فاسد شدنی:

اگر جنس فروخته شده را مشتری نبرد و اتفاقاً از اجناس فاسد شدنی است یا تاریخش منقضی می‌شود فروشنده می‌تواند آنرا به مشتری دیگری بفروشد و پول مشتری اول را به او بدهد که این هم فسخ همان معامله اول است.

۱۴- فسخ جنسی که با جنس دیگری است:

اگر خریدار دو جنس را باهم بخرد و به هر دلیلی یکی از آن دو جنس قابل تحویل گرفتن نباشد مشتری مجبور



نیست آن جنس دیگر را هم خریداری کند بلکه می‌تواند معامله را در مورد جنس دیگر فسخ کند و به هم بزند.



فهرست:

- ۸..... شرائط کسب لقمهی حلال: ۸
- ۸..... ۱- رعایت عهد و پیمان ۸
- ۱۱..... ۲- امانت داری ۱۱
- ۱۵..... ۳- پرهیز از حرام ۱۵
- ۱۸..... ۴- پرهیز از مال دوستی ۱۸
- ۱۹..... کار و بیکاری: ۱۹
- ۱۹..... لقمه‌های کارگری: ۱۹
- ۲۰..... مفسده‌های بیکاری ۲۰
- ۲۰..... ۱- دوری از رحمت خداست: ۲۰
- ۲۱..... ۲- دارای مفسده است: ۲۱
- ۲۲..... ۳- سبب گدائی است: ۲۲
- ۲۵..... کسب و کار در سیره پیشوایان: ۲۵
- ۲۵..... دسترنج: ۲۵
- ۲۶..... مذمت بیکاری: ۲۶



- ۲۶.....بهترین کار:
- ۲۹.....کسب حلال و دعای مستجاب:
- ۳۳.....اهمیت کسب روزی حلال
- ۳۹.....شرائط کسب پاک
- ۴۰.....کسب انسان با دست خودش:
- ۴۰.....چه لذیذ است لقمه زحمتکشی:
- ۴۱.....آفتهای کاسبی
- ۴۲.....دست آورد مولا:
- ۴۴.....بی رحمی به مردم ممنوع:
- ۴۵.....دستور العمل ورود به بازار:
- ۴۶.....محل کسب دنیا را با ذکر آخرت منور نگهدارید:
- ۴۷.....لزوم نظارت بر بازار:
- ۴۸.....لزوم قوه قهریه:



- ۵۰..... حاصل دسترنج:
- ۵۲..... وجود فقیر و غنی حکمت دار است:
- ۵۳..... کار در کندوی زنبور عسل:
- ۵۴..... ۳-مأموریت‌های سخت:
- ۵۵..... هر کسی را بهر کاری ساختند:
- ۵۷..... حق پدر ایجاد شغل برای فرزند است:
- ۵۷..... پسندیده‌ترین کار:
- ۵۸..... سیره امام متقین:
- ۵۹..... علی گاه با تازیانه به بازار می‌آمد:
- ۶۰..... حکم انواع کسب و تجارت:
- ۶۲..... گریه علی به حال اهل بازار:
- ۶۳..... دو نوع سود کاسبی:

- ۶۴..... کاسب دیندار:
- ۶۶..... قبل از تجارت:
- ۶۸..... خرید و فروش باطل:
- ۶۹..... فروشنده و خریدار:
- ۷۰..... احتکار ممنوع:
- ۷۴..... محتکر اگر همه مالش را صدقه دهد:
- ۷۴..... ۱-احتکار گناهی در کنار زنا و شراب:
- ۷۵..... محتکر از صفات انسانی دور است:
- ۷۶..... خمس سرمایه:
- ۷۷..... خاصیت دادن خمس:
- ۷۸..... زکات:
- ۸۰..... ندادن زکات و نزول بلا:
- ۸۱..... زیاد شدن ثروت:
- ۸۱..... زکات، مال را کم نمیکند:



- ۸۲ سه گروه سارق:
- ۸۳ گران فروشی:
- ۸۴ عوامل گران فروشی
- ۸۴ ۱- حرص:
- ۸۵ ۲- دوری از سیره پیشوایان دین:
- ۸۵ ۳- امانت و اعتماد را از بین میبرد:
- ۸۶ ربا:
- ۸۶ چند گروه برای ربا لعنت شده‌اند:
- ۸۷ از آثار غضب خداست:
- ۸۸ اهمیت اجتناب از بازار:
- ۸۹ دشمنان میگویند کسب و کار، همانند ریاست!
- ۹۰ بعضی از گونه‌های معامله ربایی:
- ۹۱ دو گونه ربا:
- ۹۲ نکته‌های مسائل ربا:
- ۹۳ مضاربه:

- ۹۳..... حکم مضاربه:
- ۹۵..... علت حرام بودن ربا:
- ۹۵..... جنس فروخته شده پس گرفته شود:
- ۹۶..... احکام غضب:
- ۹۸..... کسانی که حق تصرف در مال خودشان را ندارند:
- ۹۸..... ۱-کودک نابالغ:
- ۹۹..... ۲-دیوانه و سفیه:
- ۹۹..... ۳-مفلس و ورشکسته:
- ۱۰۰..... سر قفلی:
- ۱۰۰..... سرقفلی شرائطی دارد:
- ۱۰۲..... بیمه:
- ۱۰۴..... کم فروشی:
- ۱۰۵..... گران فروشی:
- ۱۰۶..... اجناس خارجی:

- ۱۰۸.....جنس جامانده از مشتری:
- ۱۰۸.....قسم خوردن:
- ۱۰۹.....کسب و کار از طریق گلدکویست:
- ۱۱۰.....گلدکویست حرام است:
- ۱۱۱.....دلالی:
- ۱۱۲.....فروش جنس معیوب:
- ۱۱۳.....نکته‌های رزق حلال
- ۱۱۳.....۱-روزی تضمین شده است:
- ۱۱۴.....۲-روزی حلال تقسیم شده است:
- ۱۱۴.....۳-رزق حلال تا لحظه مرگ:
- ۱۱۴.....۴-بی حساب روزی می‌دهد:
- ۱۱۵.....۵-روزی بی گمان:
- ۱۱۵.....۶-رازق نه بلکه رزاق است:
- ۱۱۶.....۷-رزق سهمیه بندی شده است:

- ۱۱۶ خدا از رزق مورچه غفلت نمیکند: ۸-
- ۱۱۶ رزق سفیه: ۹-
- ۱۱۷ حافظا! وظیفه تو دعا کردن است و..... ۱۰-
- ۱۱۸ عوامل جلب روزی: ۱۱۸-
- ۱۳۴ عوامل منع روزی: ۱۳۴-
- ۱۳۴ *گناه: ۱۳۴-
- ۱۳۴ *مال حرام: ۱۳۴-
- ۱۳۴ *حق دیگران خوردن: ۱۳۴-
- ۱۳۵ نام گذاری محل کار: ۱۳۵-
- ۱۳۶ چند شرط در مضاربه: ۱۳۶-
- ۱۳۷ حکم اشیائی که در مغازه جامانده: ۱۳۷-
- ۱۳۷ معامله نقد و نسیه: ۱۳۷-
- ۱۳۸ لزوم دفتر ثبت اجناس: ۱۳۸-
- ۱۳۹ خرید و فروش در بازار مسلمین: ۱۳۹-

- ۱۴۰ موارد فسخ معامله: ۱۴۰
- ۱-فسخ عیب: ۱۴۰
- ۲-فسخ تدلیس: ۱۴۰
- ۳-فسخ شرط: ۱۴۱
- ۴-فسخ تخلف شرط: ۱۴۱
- ۵-فسخ رؤیت: ۱۴۱
- ۶-فسخ حیوان: ۱۴۲
- ۷-فسخ شرکت: ۱۴۲
- ۸-فسخ عدم تسلیم: ۱۴۲
- ۹-فسخ با شخص مفلس: ۱۴۳
- ۱۰-فسخ مغبون شدن: ۱۴۳
- ۱۱-فسخ مجلس: ۱۴۳
- ۱۲-فسخ تأخیر: ۱۴۴
- ۱۳-فسخ جنس فاسد شدنی: ۱۴۴
- ۱۴-فسخ جنسی که با جنس دیگری است: ۱۴۴
- فهرست: ۱۴۶